

زنده باد عزم و اراده مردم مبارز و آزاده کردستان!

اعتصاب عمومی و پیروزمند
۱۰ بهمن نشانه عزم و اراده راسخ
مردم آزادیخواه کردستان در
مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی!

مردم مبارز و آزاده کردستان با اعتصاب عمومی شکوهمند خود در روز سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ در اعتراض به اعدام چهار تن از زندانیان سیاسی و برای نه گفتن به اعدام بار دیگر اتحاد و یکپارچگی خود را در مقابله با جنایات رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند و برگه دیگری به تاریخ پر از فراز و نشیب جنبش انقلابی خود افزودند. مردم مبارز کردستان با اعتصاب متحدانه خود و با ابراز همبستگی و همدردی با خانواده قربانیان این جنایت نشان دادند که موج اعدام ها، میلیتاریزم و امنیتی کردن فضای شهر ها نه تنها آنان را مرعوب نمی کند، بلکه عزم و اراده آنان برای به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی را راسخ تر می کند. اعتصاب عمومی ۱۰ بهمن در ادامه اعتراض ده ها تشکل کارگری و دانشجویی، کانون نویسندگان ایران و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زن علیه اعدام ها جنبش مبارزه علیه مجازات اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی را وارد فصل نوینی کرده است. اعتصاب عمومی ۱۰ بهمن یک بار دیگر نشان داد که جنبش انقلابی مردم کردستان یک پای اصلی هر تحول سیاسی و انقلابی در ایران است.

پیروز باد جنبش انقلابی مردم کردستان
زنده باد حاکمیت شورایی مردم کردستان

کمیته مرکزی کومه له
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران
۱۰ بهمن ۱۴۰۲
۳۰ ژانویه ۲۰۲۴



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در حمایت از فراخوان اعتصاب عمومی ۱۰ بهمن علیه مجازات اعدام



کومه له مدافع پیگیر رفع ستمگری ملی در کردستان

مهندسی نسل کشی در فلسطین و محور مقاومت!

ضرورت سیاسی سازمانیابی سراسری طبقه کارگر



پیام قاطع جنبش کارگری ایران به رژیم اسلامی سرمایه داری:
ایستاده ایم تا پایان! ما فولاد گداخته ایم!

جنبش زنان، کدام چشم انداز؟ سرمایه داری یا سوسیالیسم؟



کومه له مدافع پیگیر رفع ستمگری ملی در کردستان

رغم اینکه امروز در کردستان دود ستمگری ملی بیشتر از همه به چشم کارگران و مردم زحمتکش می رود، با این حال طبقه کارگر و زحمتکشان تنها برای مطالبه رفع ستم ملی به میدان مبارزه نیامده اند. کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده کردستان خواسته ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روشن خود را دارند که به مناسبت های مختلف آنها را اعلام کرده اند. کومه له به هر اندازه بتواند با حضور در مبارزات روزانه طبقه کارگر و لایه های فرودست جامعه و با پافشاری بر خواسته های آن، این نیروی اجتماعی را بطور متشکل و سازمانیافته به میدان مبارزه سیاسی بیاورد، کل جریان سوسیالیستی را در موقعیت مناسبتری برای رهبری جنبش انقلابی کردستان و تحقق برنامه خویش برای رفع ستم ملی قرار میدهد. در طرح کارگران برای حل مسئله ملی در کردستان که از نخستین روز پیروزی همراه با برنامه حداقل در زمینه تأمین رفاه اجتماعی و تأمین آزادی های سیاسی، رسماً اعلام و به مورد اجرا در خواهد آمد، کلیه ارگانها و نهادهای نظامی و امنیتی و غیره که ابزار اعمال ستم و تبعیض هستند، برچیده می شوند. کلیه قوانین و موانع حقوقی و اداری که بر اساس تبعیض شکل گرفته اند ملغی می گردند. اداره امور کردستان و مدیریت جامعه به شوراهای منتخب مردم در سطوح مختلف و شورای نمایندگان سراسری کردستان سپرده می شود، شوراهایی که هم قانونگذار و هم مجری قانون خواهند بود. برنامه ای مشخص برای گسترش مراکز تولیدی و جبران عقب ماندگی های اقتصادی ناشی از تبعیض ملی به هزینه دولت مرکزی، به مورد اجرا گذارده می شود. از طریق بالا بردن سطح آموزش رایگان، از جمله، آموزشهای فنی و حرفهای، بالا بردن سطح خدمات اجتماعی و عمومی و غیره، امکان واقعی برخورداری از حقوق برابر برای مردم کردستان فراهم میگردد. نمایندگان شوراهای سراسری کردستان بدون هیچ گونه قید و شرط و تبعیضی در ارگانهای سراسری اداره امور ایران شرکت خواهند کرد.

با تحقق چنین شرایطی و با در پیش گرفتن سیاست های آگاهانه آموزشی و فرهنگی هرگونه نابرابری احتمالی میان ملت های مختلف زوال می یابد و هویت انسانی افراد متعلق به اتنیک ها و ملیت های مختلف و راه

تاریخ رشد و گسترش سرمایه داری نشان میدهد که ایدئولوژی و برنامه ی ناسیونالیسم عمدتاً بر اساس نیاز سرمایه داری هر ملت به ایجاد بازار داخلی و منحصر کردن این بازار در چهارچوب مرزهای معین و ضرورت حفظ این مرزها به اتکا به نیروی توده های ساکن در آن مناطق، شکل گرفته است. ناسیونالیسم، فرهنگ و ادبیات و هنر و سبیل های خاص خود را برای تسهیل امر بسیج تودهای در خدمت تحقق این هدف طبقاتی بهوجود آورده است.

با این وجود، امروز که با رشد خارق العاده و جهانی شدن سرمایه داری، همه مرزها بر روی حرکت کالا و سرمایه باز شده است، پایه های اقتصادی این ایدئولوژی مبنی بر ایجاد بازار داخلی و ملی از بین رفته است. سرمایه داران کردستان نیز گام نهادن در مسیر ادغام در بازار جهانی را در راستای منافع طبقاتی خود می دانند. اکنون بقای ستمگری ملی در کردستان در بی حقوقی های سیاسی و اداری، فرهنگی، عقب ننگ داشتن کردستان به لحاظ اقتصادی و ساختارهای ضعیف خدمات اجتماعی که دود آن اساساً به چشم کارگران و زحمتکشان کردستان می رود، با برجستگی خودنمایی می کند. ناسیونالیسم از وجود این بی حقوقی ها و ستمگری ها تغذیه می کند و حضور خود در صحنه سیاسی جامعه را حفظ کرده است. اما از آنجا که به حکم همین تحولات اجتماعی و اقتصادی چند دهه اخیر، طبقه سرمایه دار و اقشار مرفه جامعه انگیزه ای برای مبارزه در جهت رفع ستمگری ملی ندارند و احزاب ناسیونالیست هم به حکم همین تحولات بیش از پیش، خود را با گرایش و آرزوهای پایگاه طبقاتی خود یعنی سرمایه داران و طبقات دارا منطبق کرده اند و به جای آنکه رفع ستم ملی را هدف خود قرار داده باشند، تنها به کسب بخشی از قدرت محلی، از هر طریقی که باشد، رضایت میدهند، از اینرو رسالت تاریخی رفع ستمگری ملی و هر گونه تحول دمکراتیکی در جامعه نیز بر دوش طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی این طبقه افتاده است.

بنابراین طبقه کارگر و مردم زحمتکش کردستان نیروی محرکه جنبش انقلابی کردستان هستند و پایان دادن به ستمگری ملی نیز در گرو پیشروی این طبقه اجتماعی در امر مبارزه است. اما به

یکی از اولویت های کومه له همراه سازی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده به راه حل کمونیست ها برای مسئله ملی در کردستان است. باید تلاش کرد که راه حل واقعبینانه برای حل مسئله ملی در کردستان هر چه فراگیرتر شود و مقبولیت اجتماعی پیدا کند. همانگونه که بارها تأکید کرده ایم، کومه له خواهان حق تعیین سرنوشت به معنی حق تشکیل دولت مستقل برای مردم ساکن در استانها و مناطق کردنشین است. اما تأمین شرایطی که در آن مردم کردستان بتوانند بدون نگرانی از تهدیدات و اعمال فشارهای نظامی، پلیسی، سیاسی و اقتصادی و غیره آزادانه از این حق خود استفاده کنند، در گرو مبارزه برای یک اعتلای انقلابی در ایران، سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومتی است که برخورداری عملی از همه حقوق دمکراتیک مردم را تأمین نماید. بر این مبنی، تنها راه واقع بینانه رفع ستم ملی از مردم کردستان مشارکت آنان در یک جنبش انقلابی سراسری به منظور سرنوشتی انقلابی حکومت اسلامی و تأمین آزادیهای دمکراتیک و آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی است.

اما کومه له در شرایطی بر استراتژی سوسیالیستی خود برای رفع ستمگری ملی تأکید می کند، که ناسیونالیسم نیز جامعه کردستان را تحت تأثیر سیاستها و عملکرد خود قرار داده است. اگر چه نطفه و نمودهای اولیه جنبش ناسیونالیستی در کردستان در قالب واکنش فئودالهای محلی در مقابل تعرضات دولت مرکزی عرض اندام کرد، اما به موازات زوال نظام فئودالی و پیدایش و رشد نظام سرمایه داری در این مناطق، ایدئولوژی ناسیونالیستی در میان طبقات و اقشار نوظهور و مرفه نفوذ پیدا کرد و به ایدئولوژی غالب بورژوازی و لایه هایی از اقشار متوسط و خرده بورژوازی کردستان تبدیل شد. ناسیونالیسم ایدئولوژی و اهداف سیاسی معینی است که در جامعه کردستان هم مانند بسیاری جوامع دیگر همزاد پیدایش و گسترش مناسبات سرمایه داری به یک جنبش سیاسی تبدیل شده است. احزاب سیاسی و طیفی از برنامه های سیاسی مختلف بر اساس این ایدئولوژی بورژوازی بنیانگذاری و تدوین شده اند. این ایدئولوژی دارای جهان بینی، استراتژی سیاسی، فرهنگ و سنت های خاص خود است.

⇒ در هم آمیختن آنها هموارتر می گردد. چنین جامعه ای با ستم ملی بیگانه خواهد شد. در این صورت کشیدن هر گونه حصار به دور کردستان به معنی واگذار کردن اداره این جامعه به تناسب قوای سیاسی و طبقاتی موجود در آن، یعنی محروم کردن کارگران کردستان از دستاوردها و پشتیبانی هم طبقه ای های خود در سطح سراسری است. چشم داشتن به یک افق سراسری، همراه با کارگران و همه مبارزین انقلابی و سوسیالیست در ایران سهلترین و کم دردسرتین راه برای رفع ستم ملی و تحقق اهداف و مطالبات حق طلبانه مردم کردستان است.

بدیهی است که با ایجاد چنین شرایط دمکراتیکی این مردم کردستان هستند که تصمیم می گیرند چگونه از حق خویش برای تعیین سرنوشت کردستان استفاده کنند. در چنین شرایطی، با توجه به اوضاع جهانی و مجموعه عوامل محلی و منطقه ای و شرایط بخش های دیگر کردستان، ما باقی ماندن در چهارچوب ایران و مشارکت مردم کردستان در حاکمیت سراسری و شورایی کارگران و زحمتکشان را توصیه می کنیم.

اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

در حمایت از فراخوان اعتصاب عمومی ۱۰ بهمن علیه مجازات اعدام

سرانجام رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با بی اعتنایی مطلق به واکنش افکار عمومی زندانیان سیاسی محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربار و پژمان فاتحی را در بامداد روز دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲ در زندان قزل حصار اعدام کرد. کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی روز قبل از انجام این جنایت بعد از بیش از یک سال و نیم بی خبری، به خانواده این زندانیان اجازه ملاقات داده و به آنها اعلام کردند که این آخرین دیدار آنان با عزیزانشان خواهد بود. قتل عمد این چهار زندانی در حالی انجام می گیرد که وکیل آنان بارها اعلام کرده بود که روند دادرسی و رسیدگی به پرونده این زندانیان سیاسی عادلانه نبوده است.

رژیم جمهوری اسلامی که در بحران های عمیق و همه جانبه دست و پا می زند در موقعیتی گرفتار آمده است که برای بقای خود نیاز دارد هر روز گردن تعدادی از جوانان ایران را به بالای چوبه دار ببرد. اعدام این زندانیان سیاسی و موج اعدام هایی که رژیم در سراسر ایران به راه انداخته است احکامی سیاسی هستند و فراتر از گرفتن جان این زندانیان، کارگران و توده های معترض در کردستان و سراسر ایران را نشانه گرفته است. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به خیال خود می خواهد از این طریق جامعه را مرعوب کند. اما این حربه و سیاست رژیم نیز از قبل با شکست روبرو شده است. روند رو به گسترش اعتصابات کارگری فریاد رسای کارگران فولاد در خیابان های اهواز، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زن و بیانیه های ده ها تشکل کارگری و دانشجویی و نویسندگان و علیه اعدام و اعتراضات و همایش های توده ای بیانگر آن است که کارگران و توده های مردم ایران مرعوب ماشین سرکوب و کشتار این رژیم نمی شوند.

مردم مبارز و آزاده کردستان!

نباید بیش از این در انتظار اجرای حکم اعدام جوانان این سرزمین و تحویل گرفتن پیکر بی جان آنان باشیم. نگذاریم هر روز تعدادی دیگر از جوانان ما لای چرخ دنده های ماشین قتل و اعدام رژیم اسلامی نابود شوند. نگذاریم هر روز مادران، پدران، خواهران و برادران دیگری به شمار داغ دیدگان بییوندند. باید در برابر این موج قتل و اعدام ها یکپارچه و متحدانه بپا خیزیم.

کومه له ضمن محکوم کردن اعدام زندانیان سیاسی محسن مظلوم، محمد فرامرزی، وفا آذربار و پژمان فاتحی و اعلام همدردی عمیق با خانواده آنها از همه مردم آزاده کردستان می خواهد هماهنگ و متحد و یکپارچه در اعتصاب عمومی روز سه شنبه ۱۰ بهمن ماه که از جانب جمعی از جوانان انقلابی، فعالان جنبش دانشجویی، فعالین اجتماعی و نهادهای مدافع حقوق بشر فراخوان داده شده است فعالانه شرکت نمایند. لازم است مراسم خاکسپاری این عزیزان را به همایش های توده ای در اعتراض به این جنایت جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. فقط با اعتراضات متحدانه و یکپارچه در شهرهای کردستان و سراسر ایران می توانیم ماشین اعدام رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را متوقف کنیم و نگذاریم بیش از این فرزندانمان را زیر تیغ اعدام ببرند.

مجازات اعدام لغو باید گردد!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان!

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۹ بهمن ۱۴۰۲

۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان:

اعدام شیوه شنیع قتل و انسان کشی دولتی را متحدانه متوقف کنیم!



صحراگاه روز دوشنبه نهم بهمن ماه رژیم جنایتکار اسلامی به فرمان انگل ترین قشر اجتماعی در زندان قزل حصار کرج، محسن مظلوم ۲۸ ساله اهل مهاباد، پژمان فاتحی ۲۸ ساله اهل کامیاران، وفا آذربار ۲۹ ساله اهل بوکان، هژیر فرامرزی ۲۹ ساله اهل دهگلان را اعدام کرد. این چهار نفر مرداد ماه گذشته در منطقه سومرا بردوست شهرستان ارومیه دستگیر شدند. سه ماه بعد از دستگیری تحت وحشیانه ترین شکنجه آنها را وادار به اعترافات کردند. روز یکشنبه هشتم بهمن خانواده رنج دیده این عزیزان قبل از انتقال به زندان قزل حصار در زندان اوین برای اولین بار بعد از دستگیری با فرزندانشان ملاقات کردند، دیداری جانکاه و وداعی جانسوز که تنها جانبان نظام کثیف سرمایه داری اسلامی تاب تحمل چنین صحنه های دلخراشی را دارند.

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی با بحران فزاینده عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین بحران عدم مشروعیت روبروست. این رژیم نه تنها توانایی پاسخگویی به چنین بحرانهایی را ندارد بلکه این مشکلات روز به روز گسترده تر و عمیقتر میشوند. رژیم جمهوری اسلامی زندگی مشقتباری به کارگران و مردم زحمتکش ایران تحمیل کرده است، در مقابل با موج وسیعی از مبارزات و اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای روبروست. رژیمی که با حربه سرکوب نتوانسته کارگران، زنان انقلابی و توده های میلیونی را وادار به عقب نشینی کند این بار با توسل به اعدامهای گسترده میخواهد مردم رنج دیده را به عقب نشینی وادارد یقینا کارگران و مردم ستم دیده ایران این سیاست ضد انسانی و جنایتکارانه رژیم فاسد و آخوندهای مرتجع و قرون وسطایی را

نقش بر آب خواهند کرد. کارگران، توده های رنج دیده ایران، مردم انقلابی کردستان رژیم هار سرمایه داری جمهوری اسلامی با این اعدامهای وحشیانه تمامی آزادیخواهان و مبارزین را نشانه گرفته است باید متحدانه این ماشین قتل و آدمکشی را متوقف کرد باید به این جانبان نشان داد که مردم به پا خواسته عزم کرده که بساط ننگین اسلام سیاسی را برچینند. عمر ننگین این رژیم فاسد و جنایتکار پایان رسیده، نباید اجازه داد که بر تعداد خانواده های داغ دیده افزوده شود، نباید بیش از این منتظر تحویل گرفتن جنازه جوانان و عزیزانمان باشیم. ماشین اعدام و بربریت اسلامی را باید متحدانه متوقف کرد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان ضمن محکوم کردن این عمل ضد انسانی و جنایتکارانه، همدردی عمیق خود را در اندوه جانکاه این عزیزان با خانواده و بستگانشان ابراز میداریم و از مردم مبارز کردستان میخواهیم علیه این جنایت رژیم اسلامی بهر شکل ممکن در اعتصاب عمومی و اعتراضات متحدانه شرکت کنند. مراسم خاکسپاری این عزیزان را به همایشی علیه رژیم اسلامی در تمامی شهرهای کردستان و ایران تبدیل کنیم، تنها راه متوقف کردن ماشین آدمکشی رژیم اسلامی اعتراض عمومی و متحدانه است.

مجازات اعدام باید لغو شود!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

نهم بهمن ۱۴۰۲



فراخوان شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

جنایات رژیم "طناب و دار" را همصدا با اعتراض و اعتصاب

در کردستان و سراسر ایران پاسخ دهیم!

کارگری، دانشجویی، مدنی و نویسندگان و... علیه اعدام و اعتراضات و تظاهرات ها و همایش ها بیانگر آن است که کارگران و توده های مردم ایران مرعوب ماشین سرکوب و کشتار این رژیم نمی شوند.

کارگران و توده های محروم و رنج دیده ایران!

رژیم هار سرمایه داری جمهوری اسلامی با این اعدام های وحشیانه تمامی آزادیخواهان و مبارزین را نشانه گرفته است. باید متحدانه این ماشین قتل و آدمکشی را متوقف کرد. عمر ننگین این رژیم فاسد و جنایتکار پایان رسیده، نباید اجازه داد که بر تعداد خانواده های داغ دیده افزوده شود. ماشین اعدام و بربریت اسلامی را باید متحدانه متوقف کرد. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن محکوم کردن این اعمال جنایتکارانه رژیم، از همه انسان های مبارز و حق طلب در سراسر ایران، می طلبد که علیه این جنایت رژیم اسلامی به هر شکل ممکن به اعتراض برخیزند. ما خود را همراه همه نهادها و تشکل های مدنی، دانشجویی و دادخواه و کمیته های محلات در کردستان که فراخوان اعتراض و اعتصاب عمومی داده اند، می دانیم و بر این باوریم که تنها راه متوقف کردن ماشین آدمکشی رژیم اسلامی، اعتراض

بدنبال اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی در روز سه شنبه سوم بهمن ۱۴۰۲، صحراگاه امروز دوشنبه نهم بهمن ماه رژیم جنایتکار اسلامی در زندان قزل حصار کرج، محسن مظلوم ۲۸ ساله اهل مهاباد، پژمان فاتحی ۲۸ ساله اهل کامیاران، وفا آذربار ۲۹ ساله اهل بوکان، هژیر فرامرزی ۲۹ ساله اهل دهگلان را اعدام کرد و این در حالی است که تعداد زیادی از زندانیان سیاسی دیگر به بهانه های واهی و زیر شکنجه های قرون وسطایی در زیر تیغ حکم اعدام قرار دارند.

اگر چه حربه زندان، شکنجه، کشتار و اعدام با عمر ننگین رژیم جمهوری اسلامی عجین است، اما در دوره اخیر تنها حربه رژیم برای به عقب راندن توده های معترضی است که عزم به خلاصی از رژیم دارند. جمهوری طناب و دار که با بحران های عمیق و همه جانبه دست و پا می زند در موقعیتی گرفتار آمده است که برای بقای خود نیاز دارد هر روز برای طناب های بقایش دنبال کردن بگردد. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به خیال خود می خواهد از این طریق جامعه را مرعوب کند. اما این حربه و سیاست رژیم نیز از قبل با شکست روبرو شده است. روند رو به گسترش اعتصابات کارگری، فریاد رسای کارگران فولاد در خیابان های اهواز، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زن و بیانیه های ده ها تشکل

در آستانه ۲۶ بهمن روز کومه له!

بندرعباس، تا اهواز و آبادان، تا کرمان و رفسنجان، تا تهران و اصفهان، همراهی می کردند و دوش بدوش آنها کار کرده و در میانشان بذر آگاهی می نشاندند؛ آنها را با درد و رنج و مصیبت های دنیای سرمایه داری، و راه رهایی از ستم و استثمار آشنا میکردند؛ اعتصابات و مبارزاتشان را سازمان می دادند و رهبری می کردند.

در آغاز انقلاب سال ۵۷ کادرها و فعالین صفوف کومه له در بین زحمتکشان و مردم آزادیخواه، به چهره های سرشناس پیشرو و مورد اعتماد مردم بپاخاسته و رهبر مبارزات توده ای در همه شهرها و مناطق کردستان تبدیل شدند. کومه له در جواب به مسائل جدید اجتماعی و سیاسی که در آغاز انقلاب بهمن ۵۷ مطرح شده بودند، اولین کنگره سازمانی خود را در پاییز سال ۱۳۵۷ برگزار کرد. هر چند دیکتاتوری رژیم شاه فرصت تدارک سیاسی و تشکیلاتی لازم برای پاسخگویی به مسائل آن دوره را به کومه له نداد، اما کومه له قاطعانه تصمیم گرفت که همدوش با دیگر جمع ها و محافل کمونیستی با تمام توان خود مبارزه توده ای در کردستان را در راستای منافع کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به پیش برد. از همان زمان تاکنون کومه له آن سازمانی است که نسبت به مسائل و مشکلات کارگران و توده های زحمتکش مردم، پایداری در حقوق و آزادی های آنها، بی حقوقی زنان و تحقیر هر روزه آنان حساس بوده و برای تقویت و هدایت مبارزات آنان با احساس مسئولیت رفتار کرده است. کومه له بنا به توان خود و آمادگی نیروهای اجتماعی حاضر در صحنه، بی دریغ در جهت پیشروی و پیشبرد مبارزه کارگران و محرومین جامعه و در جهت حفظ تمامی دستاوردها و منافع آنها مبارزه کرده و بدین ترتیب پیوند بین خود و توده زحمتکشان را عمیق و محکم تر ساخته است.

کومه له پس از ۹ سال و چند ماه فعالیت مخفی، به دنبال جانباختن رفیق محمد حسین کریمی از بنیانگذاران کومه له که در گرماگرم قیام و خروش مردم ایران علیه رژیم شاه، در پیشاپیش صفوف مردم بپاخاسته و انقلابی شهر سقز در روز ۲۳ بهمن در حمله به شهربانی این شهر هدف گلوله مزدوران رژیم شاه قرار گرفت و در روز ۲۶ بهمن با دلی آکنده از عشق به رهایی کارگران و زحمتکشان جان باخت، رسماً فعالیت علنی خود را آغاز کرد. رهبران و فعالین کومه له برای توده های کارگر و زحمتکش، چهره های ناشناخته ای نبودند. همان یاران قدیمی آنها، مبارزان مقاوم زندانهای رژیم شاه، فعالین و مبارزین جنبش های کارگری و دهقانی، رهبران با نفوذ

توده های وسیع مردم و رهبران مبارزه دوران قیام و شورش آنها بودند!

کارگران و زحمتکشان کردستان در روز ۲۶ بهمن روز کومه له بار دیگر به آمل و آرزوها و اهدافی می اندیشند که در بیش از چهار دهه گذشته و تحت رهبری کومه له به خاطرشان مبارزه کرده اند. بهترین عزیزانشان را برای رسیدن به چنان اهداف و آرزوهایی از دست داده اند و به فردایی می اندیشند که کومه له با برنامه و استراتژی سیاسی اش، با عملکرد و عزم راسخ انقلابی اش در مقابل چشمانشان گشوده است. به پیوند محکم و عمیقی می اندیشند که با کومه له برقرار ساخته اند، و به خاطراتی که در طول سال ها مبارزه در دلهايشان جا داده اند، خاطراتی که برایشان عزیز و گرامی است، و نه تنها زندگی امروز بلکه زندگی فردایشان را نیز رنگ و بو می دهد. به تجدید عهد و پیمانی می اندیشند که هر سال در روز ۲۶ بهمن، روز کومه له آن را تازه می کنند. عهد و پیمانی که تا کسب آزادی، برابری و رفاه انسانها تا برافراشتن پرچم سوسیالیسم هر باره و هر روزه بر آن پای می فشارند. کومه له بمتابیه سازمانی سیاسی با اهداف، برنامه، استراتژی و آرمان های کمونیستی و کارگری، که امروز با زندگی و مبارزه و احساس میلیونها انسان زحمتکش درهم آمیخته است و قلبش با قلب کارگران و زحمتکشان و محرومان جامعه می تپد، سالهای پر از مبارزه، مقاومت و سرسختی کم نظیری را پشت سر گذاشته است. کومه له بیش از ۵۴ سال قبل و در پاییز سال ۱۳۴۸ در متن شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی پا به عرصه وجود نهاد. شرایطی که با تسلط مناسبات سرمایه داری و فروپاشی نظام فئودالی، روی آوری زحمتکشان روستایی به شهرهای ایران و رشد کمی طبقه کارگر که غیر از فروش نیروی کار خود هیچ وسیله دیگری جهت تامین زندگی خود نداشت، مشخص می گردد. رشد این طبقه اجتماعی و تمرکز آن در شهرها سیمای سیاسی جامعه را دگرگون ساخت. همه مسائل اجتماعی را تحت الشعاع قرار داده و کشمکش های جدیدی را در تمامی گوشه و زوایای جامعه بوجود آورد، کشمکش کارگران با سرمایه دارن بر سر حیاتی ترین مسائل، بر سر ابتدایی ترین حقوق خود، بر سر نفس زندگی کردن، بر سر چگونگی تامین نان و مسکن و پوشاک، بر سر استراحت و بهره مندی از امکانات زندگی شایسته انسان. چنین کشمکش های گسترده و اجتماعی ای که در شهرها و روستاها در جریان بود، جواب انقلابی خود و مبارزه نوینی را می طلبیدند. هسته های اولیه کومه له و آن روشنفکران انقلابی که در آن دوران، نسبت به مسائل کارگران و زحمتکشان همدلی و احساس مسئولیت می کردند؛ تلاش کردند تا به مسائل و نیازهای مبارزاتی این دوره جواب دهند.

کم نبودند فعالین کمونیست کومه له که کارگران مهاجر کردستان را تا معادن سمنان و دامغان، تا باراندازهای

عمومی و متحدانه همه ما است.

پاسخ ما به جنایات و اعدام های رژیم، عزم بیشتر ما برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است. مجازات اعدام باید لغو و همه زندانیان سیاسی باید آزاد گردند.

سرنگون باد رژیم
سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد
سوسیالیسم
نهم بهمن ۱۴۰۲
بیست و نهم ژانویه ۲۰۲۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی
کارگری، حزب کمونیست
ایران، حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست، سازمان
راه کارگر، سازمان فدائیان
(اقلیت) و هسته اقلیت



اعتصاب عمومی در کردستان

تلاش در وجود جنبش سوسیالیستی، در نفوذ افکار و سنت های کمونیستی در بین کارگران کردستان، در آشنایی کارگران و زحمتکشان و زنان مبارز با حقوق پایه ای خود، با مبارزه برای آزادی، برابری و تأمین رفاه انسانها تجلی یافته است. اما اگر بخواهیم بر دستاوردهای پر اهمیت تأکید کنیم، باید اتحاد و همبستگی سیاسی و طبقاتی با بقیه کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی در سراسر ایران را یادآوری کنیم. کومه له به مثابه سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با فعالیت کمونیستی اش در طول زندگی مبارزاتی خود موفق شده است که این دستاورد را کسب کند و با سرسختی هر چه تمامتر آن را حفظ کند. کارگران و زحمتکشان آگاه و هوشیار در کردستان نیز امروز در مبارزه برای احقاق حقوق و مطالبات پایمال شده خود در مبارزه علیه ستم و استبداد رژیم اسلامی سرمایه در ایران، خود را در کنار کارگران فولاد اهواز، کارگران ذوب آهن اصفهان، کارگران صنایع نفت و پتروشیمی، کارگران نیشکر هفت تپه، و ... جنبش رهایی زن، جنبش دانشجویی و دیگر جنبش های پیشرو اعتراضی مردم ایران می بینند. بی جهت نبود که در جریان جنبش انقلابی زینا به چشم و چراغ مردم ایران تبدیل شدند.

کومه له همراه و همدوش با مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده های مردم حق طلب کردستان این راه را تا به آخر و تا رسیدن به فردای پیروزی با سربلندی ادامه خواهد داد. اینست رمز محبوبیت کومه له و ضرورت گرامی داشت ۲۶ بهمن - روز کومه له - از طرف کارگران آگاه و مردم زحمتکش کردستان! کومه له در دل این مبارزات و بر متن این اوضاع آبدیده شد. ■

سرکوبگر جمهوری اسلامی گردد. پس از آزاد کردن شهرها توسط مردم و نیروی پیشمرگ که رژیم اسلامی را به زانو درآورده و ریاکارانه به مذاکرات تن داد، در حالیکه حزب بورژوازی و ناسیونالیستی به منظور خاموش نمودن مبارزات، حاضر بود به هر معامله و سازشی تن در دهد، قاطعیت و کاردانی کومه له در مذاکرات با رژیم در جهت حفظ منافع جنبش و منافع کارگران و زحمتکشان و گسترش آزادی های دموکراتیک، پاسخ دادن به مسئله ملی از زاویه منافع کارگران و زحمتکشان، سازماندهی نهادهای توده ای و گسترش فعالیت های آگاهگرانه در فاصله دو لشکرکشی رژیم به کردستان، بار دیگر توانایی کومه له را به مثابه جریانی رادیکال و کمونیست در رهبری مبارزات انقلابی مردم کردستان و به میدان آوردن طبقه انقلابی به خوبی نشان داد. در طول سالهای بعد از قیام، تغییر و تحولات اجتماعی جامعه کردستان، مسائل اجتماعی زیادی را مطرح و ایجاد کرده و مبارزاتی را دامن زده است. وجود چنین مسائل و مبارزاتی کومه له را بیش از پیش معطوف به پاسخ گفتن به این مسائل و مبارزات نموده است. انجام این مبارزه و پیشروی در این عرصه ها به قیمت فداکاری و جانبازی هزاران تن از پیشروترین و دلسوزترین انقلابیون کمونیست میسر شده است.

امروز به رغم فراز و نشیب ها و انشعاب هایی که کومه له تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی در جامعه پشت سر گذاشته است، حاصل بیش از چهار دهه فعالیت علنی این جریان، حاصل فعالیت مشترک کومه له و توده های کارگر و زحمتکش را در میزان هوشیاری و توانایی، کارایی و نفوذ اجتماعی این جریان می توان دید. حاصل این همه سال کار و

کومه له بعد از قیام سال ۵۷ با سازماندهی مبارزه ای همگانی و توده ای و رهبری جنبش مقاومت در مقابل یورش ضد انقلابی جمهوری اسلامی، و همچنین مقاومت سرسختانه در برابر مرتجعین محلی، دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده جامعه را در سرلوحه فعالیت خود قرار داد. آنچه که پس از قیام سرنوشت این تشکیلات را با سرنوشت میلیونها انسان ستمدیده و تشنه رهایی گره زد، مقاومت کومه له در مقابل دشمنان رنگارنگ و دوستان ریاکار و دروغین کارگران و زحمتکشان بود. دفاع از دهقانان در برابر مالکان، دفاع از زحمتکشان روستا در مصادره اراضی، دفاع از زنان در برابر ارتجاع حاکم و فرهنگ و سنت های پوسیده مردسالارانه، دفاع از کارگران در برابر سرمایه داران، دفاع از مسلح ماندن مردم و تلاش برای مسلح کردن زحمتکشان، برپایی انواع تشکل های کارگری و جمعیت و نهادهای مردمی، ایجاد اتحادیه دهقانان، شورای زنان و دانش آموزان، و در همان حال تلاش در جهت به میدان آوردن وسیع و گسترده توده های مردم در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی که در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ به لشکرکشی سراسری منجر گشت.

سازماندهی حرکت توده ای بزرگی چون کوچ تاریخی مردم شهر مریوان در اعتراض به حضور نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی و سازماندهی دیگر تظاهرات و راهپیمایی ها که نماد دخالت دادن مستقیم مردم در عرصه مبارزه سیاسی بودند، موجب شدند تا کومه له بتواند بعد از یورش نظامی رژیم اسلامی نیز پرچمدار مقاومت توده ای و مسلحانه مردم کردستان در مقابل یورش نیروهای اشغالگر و

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای

سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند-



ناصر زمانی

ضرورت سیاسی سازمانیابی سراسری طبقه کارگر



استثمار روزانه میلیون ها کارگر و زحمتکش و چه از راه دور زدن تحریم ها و دلالی، اختلاس و دزدی سران دولتی و حکومتی در این شرایط بحرانی با بهره برداری از شرایط موجود زمینه های انباشت سرمایه و ثروت اندوزی را برای جمعیت یک درصدی جامعه فراهم می سازد و از طریق رانت های حکومتی با دور زدن تحریم ها و پولشویی های کلان اقتصادی و غیره بهره می برد و به عمر حاکمیت سرکوبگرش ادامه می دهد و راه نفس کشیدن را بر جامعه کارگری تنگ تر کرده است. آمارها از وضعیت معیشتی مردم نگران کننده است. نرخ بیکاری و نرخ تورم که مشخص کننده شاخص فلاکت اند، اینک در برخی استان ها به بالاترین سطح رسیده و در کنار بالا رفتن خط فقر در ایران، سقوط ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم، بیانگر دشوارتر شدن زندگی برای جامعه کارگری ایران است. از آنجا که رشد نرخ ارز، تورم فزاینده و شاخص های اقتصادی نزولی در وضعیت بسیار بحرانی قرار گرفته و اقتصاددانان خود نهادهای دولتی نیز هم چشم انداز روشنی برای این شاخص ها ندارند، و جامعه کارگری فشار تورم و خط فقر در کشور را حدود ۳۰ میلیون تومان برای هر خانوار برآورد کرده اند. به گفته خود نظام سرمایه داری جهانی از زبان صندوق بین المللی پول، بانک تجارت جهانی و دیگر سازمان های بین المللی اقتصاد جهانی پُر واضح اعلام کرده اند که نه تنها اقتصاد کشور ایران سرمایه داری است بلکه بعد از جنگ ایران و عراق پیوسته در پیاده کردن و پیشبرد سیاست های اقتصاد نئوالیبرال تا به امروز از دیگر کشورهای همسایه بیشتر فعال بوده است. به بیان دیگر تنها یکی از نتایج آن در سالهای اخیر معنایی جز کاهش هر چه بیشتر «طبقه متوسط» که همانا لایه های میانی و پایینی خرده بورژوازی شهر و روستا و زحمتکشان پایینی، به درون طبقه کارگر ریزش کرده و ورود طیف وسیع تری از افراد به دهک های پایین را بهمراه داشته و همین امر به افزایش آمار جمعیت حاشیه نشینی نیز افزوده است، تا جاییکه برای تأمین هزینه های زندگی آنها مجبور به اشتغال در شغل های دوم و سوم و حتا بی خانمانی هستند.

اما برده بی مزد سرمایه داری هستند که در خانه برای جبران توان و انرژی و قادر به کار کردن مرد در بازار کار، زن خانه هستند که استثمار دوگانه را تحمل می کنند، و جزء ارتش ذخیره ی کار طبقه کارگر بی مزد محسوب می شوند. به بیانی می شود گفت که در تولید سرمایه داری، نیروی مولدهای هستند که به نام «خانه دار» و یا «کار خانگی» از ماهیت استثمار وارده بر آنان چشم پوشی می شود. سرمایه داری ماهیت به کار بدون مزد که زنان خانه دار می کنند هم احتیاج دارد و هم اتکاء می کند زیرا از یک طرف زنان نه تنها باید کار خانگی از جمله بچه داری، پرستاری و کارهای روزمره خانگی را بدون دریافت مزد انجام بدهند بلکه در صورت امکان با حضور در بازار کار با دستمزدهای پایین تر از مردان مورد استثمار چند برابر قرار می گیرند. همچنین بیکاران جامعه که آمار روبه فزاینده ای دارد بازهم جمعیت میلیونی طبقه کارگر به حساب می آید. با آگاهی بر این اصل که بحرانهای ساختاری نظام سرمایه داری با پدیده سود و گردش آن به صورت سرمایه و انباشت سرمایه داری در پیوند است، حاصل آن در کشمکش ها و معادلات اقتصادی- سیاسی سرمایه داری جهانی و مناسبات این نظام، قربانیان آن نه تنها توده های وسیع کارگران و اقشار فرودست جامعه است بلکه نتایج حاصل از آن هیچ نفعی برای طبقه کارگر و دیگر مزدبگیران جامعه ندارد. طبقه کارگر ایران بطور عینی در دل کشمکش های مبارزاتی و زندگی اسفبار روزانه خود شاهد هستند که انباشت سرمایه انجام نمی گیرد، مگر آنکه شدت استثمار و بهره کشی از نیروی کار هر روز افزونتر گردد. به بیان دیگر حاکمان سرمایه از هیچ توحشی در جهت انباشت سود سرمایه به هر قیمتی دریغ نمی ورزند. به همان اندازه که نبض حیاتی رژیم سرمایه داری ایران در اقتصاد و سیاست از سوی دیگر کشورهای امپریالیستی در راستای رقابت های نظام سرمایه داری و سیاست های نئوالیبرالیستی تحت فشار قرار می گیرد به همان اندازه طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه در اثر فشارهای اقتصادی، سیاسی و سرکوب به فقر مطلق کشانده می شود.

از طرف دیگر به دلیل همه تحریم ها علیه رژیم سرمایه داری اسلامی ایران این نظام چه از راه

بحران های ساختاری نظام سرمایه داری که از تناقض های ذاتی مناسبات سرمایه داری، بنا به سود و تولید ارزش و با انباشت سرمایه ریشه می گیرند، در دامن زدن به تورم، یعنی گرانی و کاهش قدرت خرید، بیکاری، آوارگی، بی خانمانی، بحران بانکی، بحران صندوق های بازنشستگی، بحران محیط زیست و تعمیق هر روزه شکافهای طبقاتی، پایین بودن سطح دستمزدها و فقر مطلق در ایران، هر روزه شاهد برگزاری اعتراضات و اعتراضات کارگری و تمامی مزدبگیران هستیم که باعث شده جنبش کارگری در ایران از نظر کمیت در صدر اول کشورهای جهان قرار بگیرد. این جنبش با افت و خیزهای مبارزاتی خود تاریخ پتانسیل اصلی جنبش مبارزاتی است که می تواند بساط سرمایه داری رژیم اسلامی را برای همیشه از ریشه برکند و آن را به زیر بکشد. میلیونها مزدبگیر جامعه به جز نیروی کار خود چیزی برای فروش ندارند. استثمار نیروی کار و بهره گیری از آن چه در کشور ایران و چه در جهان پدیده ای است که قرنها ادامه دارد، به این معنا که «تاریخ تمام جوامع تاکنون موجود، تاریخ مبارزه ی طبقاتی بوده است.» بر خلاف سیاست های نظام سرمایه داری که تلاش دارد کسانی را که کار فکری خود را می فروشند طبقه خرده بورژوازی جامعه قلمداد کند، به عنوان مثال معلمان و فرهنگیان، پرستاران، یا تمام کسانی که دارای مالکیت ابزار تولید و یا گردش سرمایه نیستند و با درآمدهای امروزی کار می کنند، در تولید و توزیع و مالکیت شرایط همانندی دارند، جزء طبقه سرمایه دار یا متوسط جامعه نیستند، با این استدلال که اگر تنها از طریق فروش نیروی فکری خود به زندگی ادامه می دهند، مطمئن نیروی کار محسوب می شوند. با استناد به این واقعیت عینی که در حال حاضر این قشر از جامعه با استثمار روزافزون نیروی کار فکری روبرو هستند. به این معنا هرچه از نیروی کاریدی به کار فکری تغییر پیدا می کند مشخصن شاهدیم در کشورهای پیشرفته صنعتی، عدم امنیت شغلی و موقتی بودن آن و پایین آمدن درآمدها را به همراه داشته است. اگرچه میدانیم در جامعه سرمایه داری پایه اصلی خود را در سودآوری میداند اما باید توجه داشت که زنان خانه داری که به کار خانگی مشغول اند، اگرچه به طور مستقیم ارزش اضافی تولید نمی کنند،

بیشتر از چهار دهه حاکمیت سرمایه داری اسلامی، وعده های دروغین

رهبان حکومتی و دولت های مختلف رژیم برای ایجاد رفاه عمومی، جامعه ایران کماکان دست به گریبان فقر و تعمیق هر چه بیشتر شکاف های طبقاتی است. کارگران و دیگر مزدبگیران جامعه علیه هجوم افسار گسیخته نظام سرمایه داری، در تقابل با نابودی امنیت شغلی، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، قراردادهای موقت سفید امضاء، اخراج و بیکار سازی کارگران و تعطیلی مراکز تولیدی تا عدم دسترسی به حقوق اولیه انسانی از جمله تغذیه کافی، ناتوانی در پیشگیری از بیماری ها، نبود حداقل سرپناهی برای میلیون های کارگر و کودکان کار و عدم بهرمندی آنها از تحصیلات در مناطق فقیر نشین و حاشیه شهرها، در تقابل با آسیب های اجتماعی و روی آوردن اقشار مختلف اجتماعی به مواد مخدر و دهها آسیب های اجتماعی دیگر، که حاصل حاکمیت مناسبات نظام سرمایه داری است هر روزه اعتصاب و اعتراض می کنند. از سوی دیگر سرکوب و امنیتی کردن جامعه در مقابله با جنبش های اعتراضی در استراتژی رژیم نه نشانه قدرت رژیم، بلکه هراسی است از خیزش های سراسری و اعتراضی زنان، دانشجویان، دانش آموزان، دادخواهان، بخش های مختلف کارگری از شاغلین گرفته تا بیکاران، از جمله: معلمان، زنان، بازنشستگان و فعالین محیط زیست و دیگر جنبش های اجتماعی پیشرو، و هدف اصلی آن مقابله با جنبش های اعتراضی است که بقای حاکمیت سرمایه داری ایران را تهدید می کند. بدون شک کارگران و مزدبگیران اکثریت عظیم جامعه را تشکیل می دهند. بستر اعتراضات و اعتصابات هر روزه محور اصلی آن طبقاتی است و به این معنا بقای نظام سرمایه داری را نه تنها تهدید می کند، به بیان دیگر ترس رژیم از سراسری شدن و سازمانیابی سراسری این جنبش اجتماعی پیشرو واقعی است. طرح استراتژی برای سازمانیابی تشکل های سراسری کارگران با توجه به عمیق تر شدن شکاف های طبقاتی و سرکوب مبارزات، اعتصابات و اعتراضات جنبش های اجتماعی حاکم، این سوال را پیش پای ما می گذارد که کدام طبقه اجتماعی را در زیر فشار اختناق قرار می دهد؟ غیر از اینست به طور عینی جامعه کارگری را در بر می گیرد. باید آنا تومی جامعه سرمایه داری را در اقتصاد سیاسی قدرت حاکمه جستجو کرد به این معنا که تولید و باز تولید مناسبات اقتصادی بورژوازی مبتنی بر کسب سود بیشتر و تولید ارزش اضافه، استثمار در روابط نابرابر اجتماعی و سیاسی، ماهیت طبقاتی رژیم حاکمه در خدمت دوام و سلطه نظام سرمایه داری، واقعیت انکار ناپذیر است.

با اتکا به همین اصل باید گفت نیروی اصلی و محرکه در دل مبارزات مردم ایران نیروی طبقه کارگر است که ریشه این مبارزات ربط مستقیم به باز تولید مناسبات سرمایه داری دارد. بر همین اساس تقویت گفتمان سوسیالیستی در بستر مبارزات پیشرو جاری طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه به سان قابل انکارتین نیرو برای به زیر کشیدن نظام سرمایه داری و ایست چرخه ی استثمار انسان به دست انسان، در گرو تقویت آترناتوی سوسیالیستی با آگاهی بر ضرورت سیاسی به میدان آمدن طبقه کارگر، رکن اساسی این مبارزات است.

اگرچه حمایت های بین المللی جنبش کارگری و سوسیالیستی از مبارزات کارگران در ایران تا حدی میتواند به عنوان نیروی فشاری بر سران رژیم سرمایه داری اسلامی ایران برای رعایت قوانین و موازنه نامی بین المللی در وضعیت معیشتی کارگران و جلوگیری از سرکوب کارگران عمل کند. به این معنا که حمایت های بین المللی بایستی وجود داشته باشد و این خود کوچکترین وظیفه ای است که مشخص فعالین جنبش کارگری چه متشکل در احزاب و سازمانهای کمونیستی یا فعالین کارگری مستقل در خارج کشور باید به آن توجه داشته باشند تا صدای کارگران ایران را به گوش طبقه کارگر جهانی برسانند، اما نباید از این واقعیت نیز چشم پوشی کرد که همین نهادهای بین المللی کارگری در سطح جهان با توجه به سیاست های اقتصادی دولت های خود در تامین چارچوب سیاست های نظام سرمایه داری جهانی اهداف سازمان ها و نهادهای سرمایه داری، و با توسل به آنها کارگران را دوباره به بردگان مزدی، حمایت از کارگران در ایران را به پیش می برند. بر همین اساس فاکتور اصلی مبارزات جنبش کارگری باید تمام نیرو و پتانسیل مبارزاتی در استراتژی خود را بر حمایت های داخلی در سازمانیابی سراسری متحدانه کارگران در تمام زمینه های مبارزاتی بر نیروی توده ای خود تکیه داشته باشد.

همه واقیعت ها نشان می دهند که طبقه کارگر برای رهایی از وضعیت فاجعه باری که نظام سرمایه داری و حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی بر آن تحمیل کرده است، چاره ای جز مبارزه همه جانبه با نظام سیاسی و اقتصادی - اجتماعی حاکم ندارد. در شش سال اخیر جمهوری اسلامی با موجی بی سابقه از اعتصابات، اعتراض ها و حتی تاکنون زمینه شکل گیری دست کم سه خیزش (۹۶، ۹۸، ۹۸،

۴۰۱ تا کنون) سراسری عظیم روبرو شده است. حضور جنبش کارگری به مثابه طبقه کارگر و نبود تشکل های مستقل و سراسری کارگری هنوز از چالش های پایه ای جنبش کارگری در ایران، و عدم اصلی حلقه پیوند خوردن به سه خیزش انقلابی سال های اخیر واقعیتی انکار ناپذیر است. اگر امروز طبقه کارگر ایران از تشکلات سراسری توده ای و طبقاتی خود محروم است، نشانه توازن قوای نابرابری است که به این طبقه تحمیل شده است. نباید فراموش کرد که کار قراردادی، دستمزد پائین، نیروی میلیونی بیکار، ایجاد رقابت در محیط کار، همه ابزارهایی است که با استفاده از نیروی سرکوب قوه قهریه در خدمت سرمایه داران، برای جلوگیری از متحد شدن طبقه کارگر عمل می کند. با توجه به موقعیت کنونی و مقایسه وضعیت معیشتی و رفاهی کارگران نسبت به دهه های گذشته می توان گفت مبارزات و خواست کارگران به تمامی معنا در بعد اقتصادی و اجتماعی - سیاسی از پوسته تدافعی خود نه تنها خارج شده، بلکه مناسبات نظام سرمایه داری را به انحاء مختلف به چالش کشیده است. این رویکرد را با خواست کارگران برای افزایش دستمزد کلیه سطوح شغلی بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل، شعار آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی و عقیدتی، لغو حکم اعدام یا قتل عمد دولتی با برپائی تجمع اعتراضی در خیابان و تظاهرات و راهپیمایی، تا سخنرانی های زنان و مردان بازنشسته که مناسبات سرمایه داری را عامل اصلی فقر و فلاکت و تعمیق هر روزه شکاف های طبقاتی میدانند و در قطعنامه های بازنشستگان، فرهنگیان که خواهان سپردن مدیریت صندوق های بازنشستگی به خود بازنشستگان هستند، وقتی کارگران گروه ملی فولاد اهواز با برپایی تجمعات پرشور و اقدامات هماهنگ و تشکیل مجمع عمومی و همفکری و همدلی جمعی در اعتصاب با شکوه و در فصل جدیدی از همبستگی و اتحاد میان کارگران خود اعلام کردند: «اعتصاب را با بی توجهی به مذاکرات فریبکارانه و بدون واهمه از تهدیدهای امنیتی ادامه خواهیم داد. تمام اهواز را با خود همراه می کنیم. اگر مطالبات مان زمین بماند زمین زیر پایتان را می لرزانیم.» یا با شعار «ما دیگه رای نمی دیم، عدالتی ندیدیم» نشان داد تکیه به نیروی توده طبقه کارگر در سازمانیابی متحد کارگری طبقاتی کلید پیروزی این مبارزات است. از این زاویه باید تاکید کرد که نیاز به سازمانیابی تشکل سراسری توده ای کارگران در تغییر توازن قوا به نفع طبقه کارگر ملزومات خود را از کانال همین مبارزات جاری

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سرمدیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکس)

takesh.komalah@gmail.com

کارگران، جنبش زنان، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار مزدبگیر جامعه، بستر آن شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر شاهدیم سرمایه داری چه از نظر موقعیت جهانی و منطقه ای همزمان در آستانه تغییر و تحولات بنیادین و در بن بست پایه ای اقتصادی و سیاسی قرار دارد و راه حلی برای برون رفت از بحران های متعدد و پیشروی خود، راهی به جز سرکوب عریان و ایجاد فضای رعب و وحشت در بر نگرفته است. بلوک بندی های سیاسی راست و چپ چه در داخل و چه در خارج از ایران در جهت پیشبرد آلترناتیوهای حکومتی و بدیل سیاسی خود بعد از سرنگونی رژیم اسلامی در تلاش اند قدرت سیاسی را نیز به دست بگیرند. در بلوک بندی سیاسی و آلترناتیو بورژوازی راست سیاسی در واقع تداوم ادامه سیاست های اقتصادی نئوالیبرالیستی به عنوان تنها الگوی اقتصادی سرمایه دارانه کاملن روشن است. تبعات چنین الگویی، دستاوردی به جز تداوم استثمار کارگران و مزدبگیران، ادامه تعمیق بیشتر شکاف عظیم طبقاتی، محرومیت و کار طاقت فرسا و پایین بودن دستمزد کارگران به معنای محرومیت توده های فرودست جامعه از وسایل گذران بخور و نمیر زندگی و نیازمندیهای عمومی و یک زندگی انسانی در جامعه در بر نخواهد داشت.

در حالیکه در آلترناتیو سوسیالیستی نه بر اساس سود و انباشت سرمایه بلکه جهت رفع نیازمندی های جامعه کارگری و بر اساس رفاه و برابری، سیاست های اقتصادی و فعالیت خود را به پیش می برد. بر همین اساس بازم باید تاکید کرد راه متشکل شدن کارگران و فعالین کارگری برپایی جنبش مجمع عمومی یعنی گسترش مجامع عمومی در محیط های کار از نیازهای اصلی مبارزات کارگران است. با آگاهی بر این امر مهم که مجمع عمومی ظرف موثر برای حضور و دخالت مستقیم توده های وسیع کارگران بر پایه مجمع عمومی ضروری است، اما نباید فراموش کرد که مجمع عمومی نباید جانشین تشکل های مستقل و سراسری کارگران شود. حداقل در شش سال گذشته و سه خیزش سراسری بر این واقعیت صحنه گذاشته است سنگر مبارزه برای آزادی و برابری و راه برون رفت از بحران های متعدد در گرو تقویت بلوک سیاسی- اجتماعی سوسیالیستی است. خیزش انقلابی ۱۴۰۱ نشان داد سنگر مبارزه برای برابری زنان و مردان نه تنها پایه های حاکمیت ایدئولوژی سرمایه داری اسلامی را مورد تهدید قرار داد بلکه اساسن با تقویت سنگر مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر به پیش می رود. پُر واضح است که جنبش کارگری با مبارزات خود در صف مقدم مبارزات مردم برای دفاع از گذران زندگی در خور انسان قرار دارد و بیش از هر زمان دیگری از پتانسیل و آمادگی برای قدم گذاشتن به میدان مبارزه سیاسی در سطح سراسری برخوردار است. بر همین

اساس باید تاکید کرد به میدان آمدن طبقه کارگر یک ضرورت سیاسی است برای پیشبرد و بستر سازی در جهت سازمانیابی خود در حزب طبقه کارگر برای ایجاد پیوند ارگانیک جنبش سوسیالیستی با جنبش مبارزاتی میلیونها کارگر و اقشار فرودست جامعه، سازمانیابی انقلابی و رهایی کارگران از بند استثمار و به دست گرفتن قدرت سیاسی اجتماعی توسط طبقه کارگر، از نان شب ضروری تر است. به این معنا که قدرت طبقه کارگر در تشکل ها، آگاهی و درک روشن از اهداف و وظایف خویش در چشم انداز خود یعنی تنها حزب سیاسی و فقط با وجود حزب انقلابی متشکل از آگاهترین و پیشرو ترین کارگران در ارتباط با توده های گسترده کارگران و با اتکاء و مجهز به تئوری انقلابی می تواند با طرح شعارهای مبارزاتی در تقویت گفتمان سوسیالیستی و تقویت آلترناتیو سوسیالیستی گام های موثری را روبه جلو بردارد. به بیان دیگر حزب سیاسی طبقه کارگر تنها ضامن استقلال سیاسی و طبقاتی کارگران است که کلیه اشکال مبارزه و سازمانیابی طبقاتی کارگران را در جهت چشم انداز سیاسی و اعمال هژمونی خود، بقول مانیفست حزب کمونیست در جهت در هم شکستن ماشین دولتی و تسخیر قدرت سیاسی بکار گرفته شود.

بدون شک هیچ سازمان توده ای طبقه کارگر را نمیتوان در خلاء تشکیل داد. سازمانیابی ارگان های طبقاتی توده ای طبقه کارگر امر خود کارگران و ظرف اتحاد آنها در محیط کار و زیست آنها است. تلاش برای ایجاد و حفظ این تشکل ها با هر نامی که نقطه مشترک همگی سازمانیابی، آگاهی، خردجمعی و رویکرد شورایی طبقاتی آنها است تنها با در میدان نگاه داشتن توده طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی و مشارکت مستقیم توده کارگران در تصمیم گیری ممکن می شود. این امر دقیقن بر خلاف آلترناتیو بلوک راست سیاسی که تلاش دارد رهبری را از بالای سر میلیون های کارگر و دیگر مزدبگیران جامعه به دست بگیرد، عمل می کند. از این زاویه ضرورت کلید پیشبرد و اعمال هژمونی طبقاتی در چشم انداز سیاسی بعد از سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری ایران در همراهی و همگامی جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جوانان، جنبش انقلابی کردستان، و خواست های آزادیخواهانه ای تمامی ملیت ها و جنبش دفاع از محیط زیست و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی رقم می خورد. و در همین راستا گستراندن تقویت گفتمان سوسیالیستی، یک چشم انداز رادیکال در کمک به امر سازمانیابی انقلابی رهبری سراسری با تکیه بر نیروی پیشتاز و سوسیالیست و اجتماعی موجود در جامعه از اهمیت حیاتی برخوردار است.

۱ فوریه ۲۰۲۴



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست پیام قاطع جنبش کارگری ایران به رژیم اسلامی سرمایه داری: ایستاده ایم تا پایان! ما فولاد گداخته ایم!

عروج مجدد جنبش کارگری در ایران هستیم. بر طبق برآوردهای اولیه، در ده ماهه اول سال جاری خورشیدی، بیش از ۲۵۰۰ حرکت اعتصابی و اعتراضی رخ داده است که بیش از هزار مورد مربوط به کارگران صنعتی، بیش از هزار مورد مربوط به بازنشستگان، بیش از هفتاد مورد مربوط به معلمان و بیش از هشتاد مورد مربوط به پرستاران و پرسنل سیستم درمانی بوده است.

ما ضمن استقبال از گسترش جنبش کارگران و زحمتکشان ایران، بار دیگر بر ضرورت سازماندهی، تشکیل یابی محلی و سراسری و نیز ضرورت همبستگی و همکاری بخش های مختلف طبقه کارگر تاکید می کنیم. کارگران ایران خود بروشنی میدانند، مادام که این مبارزات پراکنده اما مهم، نتواند به یک مبارزه سراسری و هماهنگ تبدیل شود و موجبات یک اعتصاب عمومی سیاسی را فراهم کند، طبقه سرمایه دار و رژیم حامی آنها، این امکان را دارند که خود را هر بار از زیر فشار این جنبش خارج کنند و حتی بخش های مختلف طبقه کارگر را جدا جدا سرکوب نمایند. بنابراین یکبار دیگر ضمن تاکید بر شعار تاریخی "چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است" از همه فعالین کارگری و تشکل های مستقل کارگری در ایران میخواهیم که از طریق همکاری و هماهنگی با یکدیگر، تلاش کنند تا این مبارزات، هرچه سراسری تر، وسیع تر و سازمان یافته تر به پیش رود.

زنده باد جنبش کارگری ایران!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۹ بهمن ۱۴۰۲
۲۹ ژانویه ۲۰۲۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



روز یکشنبه هشتم بهمن ماه، شاهد برگ درخشان دیگری از مبارزات طبقه کارگر ایران علیه رژیم استبدادی و سرمایه داری جمهوری اسلامی بودیم. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در ادامه مبارزات هفته های اخیر خود که تلفیقی از اعتصاب، برگزاری مجمع عمومی در کارخانه و برپایی تجمع در مقابل استانداری و بانک ملی بود، این بار مارش وسیعی را در خیابان های شهر اهواز سازماندهی کردند. کارگران ضمن اعتراض به عدم تحقق خواسته های صنفی و معیشتی خویش، با طرح شعارهای اجتماعی و سیاسی نشان دادند که مشکلات خود و کشور را وسیع تر از تحقق این یا آن مطالبه صنفی می بینند.

این حرکت پرشور با راهپیمایی از محل ساختمان استانداری به سمت فرمانداری اهواز و سپس ساختمان مرکزی بانک ملی استان ادامه یافت. کارگران اعتصابی گروه ملی صنعتی فولاد ایران، با تجمع مقابل ساختمان مرکزی بانک ملی استان خوزستان، با سردادن شعارهایی، اعتراض خود را به بی توجهی بانک ملی نسبت به خواسته های خود نشان دادند. آن ها به بطور شفاف به رژیم و مقامات بانک ملی که عهده دار اداره این شرکت هستند، هشدار دادند: «ما را محک نزنید، ما فولاد گداخته ایم!»

راهپیمایی اعتراضی کارگران گروه ملی صنعتی فولاد در خیابان های مرکزی اهواز ادامه یافت. در خیابان نادری، کارگران شعار می دادند: «ما کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد، میجنگیم میجنگیم». آنها سپس از چهارراه نادری به طرف بازار و خیابان امام راهپیمایی کردند.

در شعارهای کارگران، تاکید بر ایستادگی آن ها تا تحقق مطالباتشان، اعتراض به بی آبی در اهواز و همچنین امتناع از شرکت در انتخابات قلابی حکومت برجسته بود: «عدالتی ندیدیم، ما دیگه رای نمی دیم». کارگران همچنین با سر دادن شعار "مشکل ما همینجاست، دروغ میگند آمریکاست"، بروشنی، سیاست خارجی ویرانگر رژیم و استفاده ابزاری آن از بحران های خارجی و منطقه ای برای سرپوش گذاشتن بر ریشه های اصلی بحران در داخل کشور را افشاء کردند.

مبارزه درخشان کارگران فولاد ملی اهواز و نیز اعتصابات و تجمعات اعتراضی پی در پی کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به ویژه کارگران پیمانی و ارکان ثالث در تعداد زیادی از شرکت ها و محیط های کار در جنوب و جنوب غربی ایران به خصوص منطقه صنعتی پارس جنوبی و نیز اعتراضات هفتگی بازنشستگان در شهرهای مختلف، نشان می دهند که پس از سرکوب فاشیستی و خونین خیزش انقلابی ژینا، شاهد

مهندسی نسل کشی در فلسطین و محور مقاومت!

این یک پیشروی و ضربه به موقعیت دولت های غربی است و به عبارتی دیگر این یک دست آورد برای مردم در این کشورها است. اما از زاویه ای دیگر تلاش جریانات ارتجاعی اسلامی و بخصوص محور مقاومتی ها به سرمدمداری جمهوری اسلامی که سعی داشتند بر موج اعتراضی علیه اسرائیل در این کشورها سوار شوند نیز کاملاً شکست خورد و حمایت از فلسطین با موضع مخالفت با حماس و حزب الله لبنان و غیره همراه شد. عموماً نیروهای چپ، صلح طلبان، و مردم مستقل این اعتراضات و آکسیون ها را پیش بردند. و این دومین دست آورد این مبارزات بود و سومین دست آورد اینکه ادامه نسل کشی برای اسرائیل با هزینه زیادی برای آن دولت پیش می رود. هر چند دولت نژاد پرست اسرائیل جنایاتش را با فشار افکار عمومی متوقف نمی کند اما هرگز تا به این حد نزد افکار عمومی جهان منفور و محکوم نشده بود و تأثیر این موج سیاسی اعتراضی تا سالهای سال علیه دولت و دولت های بعدی اسرائیل نیز باقی خواهد ماند. به هر شکل نقش اعتراضات مردمی را نباید دست کم گرفت و تأثیر آن بیش از هر اقدام دولت ها یا نهادهای حقوق بشری است.

«محور مقاومت»

و نقش جمهوری اسلامی!

«محور مقاومت» که کلکسیون از نیروهای مسلح اسلامی و ارتجاعی وابسته به جمهوری اسلامی هستند در جریان حمایت از حماس به تمامی به کار گرفته شدند. از حزب الله لبنان گرفته تا حوثی های یمن و کتائب حزب الله در عراق. واضح است که درگیری های آنها با اسرائیل و آمریکا در چارچوب جدال های منطقه ای بر سر کسب یا حفظ منافع است. حمله حماس به اسرائیل که عموماً غیر نظامیان را هدف قرار داد و بسیاری از آنها را به گروگان گرفتند، دست اسرائیل را بیش از پیش برای کشتار مردم فلسطین باز کرده است. در واقع حماس و حزب الله لبنان برایشان ذره ای منفعت و شرایط مردم فلسطین اهمیت ندارد بلکه پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی و ارتجاعی خودشان است که در مجموع به آرمان رهایی بخش مردم فلسطین ضربات بسیاری تا کنون وارد کرده است. دخالت نیروهای

از طریق سازمان ملل به غزه را قطع کردند. این در حالی است که حدود سه هزار امدادگر و نیروهای سازمان ملل در فلسطین و اسرائیل مشغول به کار هستند و همکاری این دوازده نفر بسیار ناچیز و حاشیه ای بوده است. نه نفر از این دوازده نفر قبلاً اخراج شده بودند یک نفر کشته شده است و دو نفر دیگر هم اکنون اخراج شدند. اما این بهانه ایست برای همکاری با نسل کشی اسرائیل در غزه. بهانه ای بهتر از این پیدا نمیشد تا مردم گرسنه، تشنه، نیازمند کمک های دارویی و پزشکی را از همین حداقل ها هم محروم و البته افکار عمومی را نیز مهندسی کنند. این اقدامی نیست جز همکاری با نسل کشی اسرائیل در غزه. نسل کشی در غزه ادامه دارد و با طولانی شدن آن مردم کشته شده به عده هایی تبدیل شده اند که هر روز بر تعداد آنها افزوده می شوند. عادی شدن کشتار و دلسردی از عدم امکان ممانعت از آن خطرناکترین چیزی است که برای فلسطینیان می تواند اتفاق بیفتد. شکایت کشور آفریقای جنوبی به دادگاه بین المللی لاهه هر چند افکار عمومی را متوجه تلاش برای جلوگیری از کشتار اسرائیل کرد اما از سوی دیگر خطر به اتاق انتظار رفتن بخشی از افکار عمومی جهان برای نتیجه این دادگاه را به دنبال دارد. در صورتی که اولاً بررسی و صدور حکم از طرف این دادگاه دارای ضمانت اجرایی نیست و دوماً حدود دو سال این بررسی و صدور حکم زمان می برد و این در شرایطی است که هر ساعت مردم فلسطین قتل عام می شوند. این دادگاه حتی حکم به آتش بس نیز نداد. اساساً نهادهای بین المللی حقوق بشری در چارچوب منافع کشورهای سرمایه داری غربی فعالیت می کنند و در نهایت برای مهندسی افکار عمومی کار برد دارند. ما سوسیالیست ها موظف هستیم موقعیت و سمت سوی آنها را را افشا کنیم و امید واهی داشتن به آنها را نزد توده ها روشن کنیم. نتیجه این دادگاه هر چه باشد دردی از مردم فلسطین دوا نخواهد کرد. البته اعتراضات گسترده مردم در کشورهای غربی شکافی بین حاکمان و مردم ایجاد کرده است. پس از سال ها بخشی از مردم چشمشان به روی عملکرد واقعی «مدافعان حقوق بشر» باز شده است. به جرأت می شود گفت سال های مدیدی بود که وجهه دولت های غربی تا این حد به چالش کشیده نشده بود. مردم در حمایت از فلسطین و غزه در این کشورها رودروی دولت های خودی قرار گرفتند و

وارد چهارمین ماه کشتار مردم فلسطین در غزه شدیم. آخرین تحولات در این رابطه متهم کردن اسرائیل توسط آفریقای جنوبی در دادگاه بین المللی لاهه است و دیگری قطع کمک های بشر دوستانه توسط کشورهای غربی به دلیل همکاری دوازده نفر از امدادگران سازمان ملل با حماس در جریان حمله هفت اکتبر به اسرائیل. کشتار مردم غزه بی وقفه ادامه دارد. نزدیک به ۲۷۰۰۰ نفر در زمان نوشتن این مطلب در غزه کشته شده اند و هر روز بر تعداد آنها افزوده می شود. تقریباً تمام ساکنان دو نیم میلیون نفری غزه آواره شدند و فاقد امکانات اولیه زندگی از جمله غذا و آب آشامیدنی سالم، دارو و سرپناه هستند. همه این ها در مقابل چشم جهانیان و آشکارا انجام می شود. اعتراضات گسترده جهانی تا کنون نتوانسته دولت نژاد پرست اسرائیل را متوقف کند. تمام خانه ها و زیر ساخت ها تخریب شده اند. اکثر بیمارستان ها تخلیه شدند. تعداد زیادی خبرنگار کشته شدند. تعداد زیادی از پرسنل سازمان ملل کشته شدند. اکثریت کشته شدگان در غزه غیر نظامیان هستند. از زمین و هوا و دریا غزه بمباران می شود.

اما چطور چنین جنایت گسترده و علنی در مقابل چشم جهانیان انجام می شود و با وجود اعتراضات گسترده سر باز ایستادن ندارد؟ دلیل مشخص آن حمایت همه جانبه آمریکا و متحدان غربی آمریکاهستند. این حمایت ها شامل چند بخش و چند شکل هستند. امپریالیسم آمریکا با کمک های مالی گسترده، کمک های تسلیحاتی، و تو کردن آتش بس در شورای امنیت سازمان ملل، مستقر کردن نیروهای نظامی خود در دریای سرخ در محافظت از اسرائیل سنگ تمام گذاشته است و دیگر کشورهای غربی که ابتدا حمایت همه جانبه خود را از اسرائیل اعلام کردند اما سپس تحت فشار افکار عمومی مردم ظاهراً کمی عقب نشینی کردند و عملاً پاسدار منافع و روابط با اسرائیل هستند. آنها با وجود فشار گسترده افکار عمومی حتی یک کاردار اسرائیل را اخراج نکردند و تمام روابط سیاسی و اقتصادی با اسرائیل را حفظ کرده اند. اخبار نسل کشی در غزه را بسیار کم رنگ منعکس می کنند تا اعتراضات افکار عمومی در غرب و جهان را کنترل کنند یا حداقل کاهش بدهند و اکنون به اعلام همکاری دوازده نفر از نیروهای سازمان ملل در جریان حمله هفت اکتبر به اسرائیل تمام کمک های غذایی و دارویی خود



تفاوت در زبان مخاطبین یکدیگر نیستند. مردم خاور میانه عمدتاً عرب زبان هستند و مذهب نیز نقش بیشتری در زندگی آن‌ها دارد. اکنون زمان آن فرا رسیده است که احزاب کمونیست ایران بتوانند اطلاعاتی را و مقالات خود در مورد خاور میانه و نقش جمهوری اسلامی و دیگر دولت‌های سرمایه داری را به گوش مردم منطقه برسانند. جریانات چپ انقلابی و مشخصاً حزب کمونیست ایران می‌توانند اطلاعاتی را و مطالب مهم در مورد منطقه را ترجمه و برای مخاطبان عرب زبان ارسال کنند. این مطالب به مرور مخاطبان بیشتری پیدا خواهد کرد و اذهان مردم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این واقعیتی است که هر چند محور مبارزه طبقاتی با جمهوری اسلامی در داخل کشور است و توازن قوا در داخل کشور تعیین کننده سرنوشت جمهوری اسلامی خواهد بود اما از تقابل با نیروهای منطقه ای جمهوری اسلامی نیز نباید غافل بشویم. مردم منطقه باید به ماهیت جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن پی ببرند و تنها احزاب انقلابی چپ ایران از عهده چنین امر مهمی بر می آیند. «محور مقاومت» چیزی نیست جز محور جنایت علیه مردم منطقه در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران.

اول فوریه ۲۰۲۴

نیابتی جمهوری اسلامی موسوم به «محور مقاومت» حمایت جهانی و نیروهای مترقی و پیشرو را از مردم فلسطین کاهش میدهد. جمهوری اسلامی از ادامه کشتار مردم فلسطین بهره را می‌برد که با درگیر کردن نیروهای نیابتی سمپاتی بیشتری در منطقه بخرد و «محور مقاومت» را تقویت کند. به عبارتی دیگر جمهوری اسلامی می‌داند که حماس تقریباً نابود شده و جایگاه قبلی را باز نخواهد یافت و به این اعتبار تلاش دارد تا با درگیری‌های غیر مستقیم خشم و کینه مردم نسبت به اسرائیل و آمریکا که در منطقه رو به فزونی است را به سمت تقویت «محور مقاومت» کانالیزه کند. نباید فراموش کنیم که هم‌اکنون نیروهای حوثی حدود دویست هزار نیروی مسلح دارند، مجموع نیروهای حشدالشعبی حدود هفتاد هزار نفر افراد مسلح هستند و حزب الله لبنان بیش از بیست هزار نیروی مسلح دارد. «محور مقاومت» نه فقط بالفعل خطری جدی برای جنبش‌ها و مبارزات مردم در منطقه است بلکه خطری بالقوه برای جنبش و انقلاب مردم ایران نیز هست. دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی که به تمام روش‌های فاشیستی علیه مردم تا کنون متوسل شده و می‌شود در شرایطی که در مقابل انقلاب کارگران و مردم در معرض سرنگونی قرار بگیرد قطعاً از نیروهای نیابتی خود در منطقه بهره خواهد برد. تا کنون نیز موردی و محدود اقدام به چنین کاری کرده است - استفاده از لشکر فاطمیون در جریان سرکوب مردم در چابهار و حشد الشعبی‌ها در خوزستان - اما این‌ها محدود و موردی بودند زیرا نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی چند صد هزار مزدورند که بازوی اصلی سرکوب مردم هستند، تا کنون توانسته اند سرکوب را پیش ببرند هر چند هر روز از تأثیر سرکوب آن‌ها کاسته می‌شود. به این اعتبار ما نباید «محور مقاومت» را صرفاً نیروی خارج از ایران و حاشیه ای ارزیابی کنیم بلکه در جریان انقلاب ایران و

تحولات منطقه «محور مقاومت» بخشی از بدنه جمهوری اسلامی است که در معادلات و محاسبات آرایش سیاسی و توازن قوا باید مد نظر قرار بگیرند.

اما به طور واقعی چه می‌توان انجام داد؟ جمهوری اسلامی پایه‌های اجتماعیش را نه تنها از دست داده است بلکه نفرت و کینه عمومی مردم که هر دم شعله‌ور می‌شود و در مقابل رژیم وسیعاً صف آرایی کرده است را داریم. اکثریت وسیع مردم علیه جمهوری اسلامی هستند و شرایط زیست اقتصادی و اجتماعی به شدت بحران زده ای دارند و همه این‌ها زمینه‌های جنبش‌های گسترده و اعتصابات پیاپی چند ساله گذشته است که طبیعتاً باز هم به میدان خواهند آمد. در مقابل صف گسترده و زیاد مزدوران و دستگاه سرکوب را داریم که تا کنون توانسته است خود را حفظ کند و به سرکوب و جنایات ادامه بدهد. اما در بیرون از مرزهای ایران و مشخصاً در خاور میانه «محور مقاومت» هر چند اینجا و آنجا پایه‌های اجتماعیش تضعیف شد. مثل لبنان و عراق که غیر شیعیان علیه این نیروها هستند اما به هر شکل هنوز توهمات توده‌ای نسبت به آن‌ها وجود دارد. قوی‌ترین و منسجم‌ترین نیرویی که حریف اصلی آن‌ها است سوسیالیست‌ها و دیگر مردم آگاه در ایران هستند که به دلیل



شماره ۴۴۴ پیشرو نشریه

کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!

گسترش خصوصی سازی راهکار خامنه ای برای نجات از بحران

یکی دیگر از وظایفی که خامنه‌ای برای دولت رئیسی در رابطه با اقتصاد تعیین کرد این بود که "دولت باید رشد نقدینگی را هم متوقف کند". او در این مورد نیز تجاھل و عوامفریبی کرد. وگرنه خوب می‌داند که هر سیستم اقتصادی از جمله سرمایه‌داری بازار آزاد نیز مکانیزمهای چرخش خود را دارد. "رشد نقدینگی" که یکی از شاخص‌های بحران اقتصاد سرمایه‌داری می‌باشد را نمی‌توان با دستور ولی فقیه و حکم حکومتی متوقف کرد. در شرایطی که قدرت خرید کارگران و مردم زحمتکش با دستمزدهای سه برابر زیر خط فقر و درآمد ناچیزشان به شدت سقوط کرده است و بسیاری از اقلام غذایی از سفره آنان حذف شده است؛ در شرایطی که ارزش تومان در عرض سه روز آنچنان سقوط می‌کند که قیمت یک دلار از ۵۰ هزار به ۶۰ هزار تومان میرسد، چگونه دولت ورشکسته می‌تواند نقدینگی را متوقف کند و بهبودی در کسب و کار بوجود آورد.

اما هدف و نگرانی اصلی خامنه‌ای به قول خودش "عرصه‌های بالا دستی نظیر نفت و گاز و فولاد" است و باید در آنها زمینه گسترده مشارکت بخش خصوصی را کاملاً فراهم کنند. تا از حکومت در مقابل خواست و مطالبات کارگران در آن مراکز سلب مسئولیت شود و آنان را در مقابل کارفرما و نیروهای سرکوبگر مدافع آنان قرار دهد. او در پایان هدف خود را واضح تر بیان کرد و بطور تلویحی کارگران را تهدید نمود و گفت: "برخی موانع بهبود فضای کسب و کار را هم دستگاه قضایی با قوای مسلح باید برطرف کنند. علی خامنه‌ای در حالی کارگران را با نیروهای سرکوبگرش تهدید می‌کند که در مقابل خواست و مطالبات جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی پاسخی ندارد و زیون و درمانده است. می‌بندد علیرغم گسترش اعدامها، بگیر و ببندها، شکنجه‌ها و دیگر اقدامات ضد انسانی دم و دستگاههای امنیتی و نظامی حکومتش، روز به روز بیشتر با اعتصاب و اعتراضات سازمانیافته و بدون ترس و واھمه کارگران، زنان مبارز، دانشجویان، بازنشستگان، معلمان و سایر اقشار زحمتکش و تهیدست جامعه روبرو است و می‌رود در خیزش انقلابی بعدی سرنوشت حکومت اسلامی را یک سره نمایند و خود و دیگران را نیز از شر این حکومت فاسد قرون وسطایی نجات دهند.

سرمایه داری جهانی اداره شده است. ثانیاً آنگونه که جریانات اصلاح طلب و اپوزیسیون بورژوازی عنوان می‌کنند، بحران ساختاری اقتصادی و پیشبرد پروژه خصوصی سازی نیز ارتباط چندانی با ناکارآمدی و بی‌عرضگی این یا آن دولت در حکومت اسلامی ندارد. ثالثاً خصوصی سازی به عنوان یکی از پایه‌های سیستم اقتصاد نئولیبرالی نه تنها در ایران بلکه در بسیاری دیگر از کشورهای نظیر ترکیه، مصر، پاکستان، امریکای لاتین و غیره امتحان خود را پس داده است و نتیجه آن چیزی جز تشدید فقر و فلاکت زندگی و معیشت کارگران و توده‌های مردم نبوده است. این سیستم به سرمایه داران امکان داده است با شدت بیشتری به استثمار نیروی کار ارزان در سراسر دنیا پردازند آن‌ها را فقیرتر و خود را ثروتمندتر کنند. رابعاً به اعتراف بسیاری از کارشناسان اقتصادی، خصوصی سازیها در ساختار فاسد حکومت اسلامی به گسترش شرکتهای "خصوصی" دامن زده و بستری بوده برای رانت خواری و فساد و دزدی نهادینه شده فرماندهان بالای سپاه پاسداران و دیگر سران حکومت اسلامی و کارگزاران رژیم. نمونه بارز آن فروش کارخانه ماشین سازی ۱۰ هزار میلیارد تومانی تبریز بود که توسط سازمان خصوصی سازی رژیم با قیمت ۷۰ میلیارد تومان به فروش رسید. یا مجتمع ۲۰۰۰ میلیارد تومانی نیشکر هفت تپه که آنهم با رانت حکومتی ۱۰ میلیارد تومان در اختیار اسدبیگی و رستمی قرار گرفت. خامساً تا کنون کارگران در بسیاری از مراکز صنعتی و تولیدی و خدماتی شدیداً با خصوصی سازیها مخالفت کرده‌اند و با سند و مدرک نشان داده‌اند که بر اثر خصوصی سازیها علاوه بر دزدیهای کلان مسئولان حکومت اسلامی، سطح کمی و کیفی تولید نیز کاهش پیدا کرده و بسیاری از کارگاه‌ها و کارخانجات تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند. از سوی دیگر سالها مبارزه متحد و پیگیر کارگران مبارز نیشکر و دیگر صنایع علیه خصوصی سازی رژیم با اخراج و زندان و شکنجه‌های وحشیانه دستگاههای سرکوبگر امنیتی حکومت اسلامی پاسخ گرفته است. بنابراین کارگران ایران همانطور که ماهیت سرمایه دارانه بخش دولتی را تجربه کرده‌اند، ماهیت بخش خصوصی را نیز با گوشت و پوست و استخوان خود شناخته‌اند و برخلاف نظر خامنه ای از آن بی‌خبر نیستند تا مداحان رژیم به توصیه خامنه‌ای برایشان موعظه کنند.

با تعمیق بحران اقتصادی حکومت اسلامی و سقوط مجدد ارزش ریال، قیمت کالاها و مورد نیاز مردم روز به روز افزایش می‌یابد و زندگی و معیشت کارگران و مردم زحمتکش با فقر و گرسنگی بیشتری روبرو می‌شود. گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران و دیگر اقشار تهیدست جامعه، موجب ترس و نگرانی رهبران و سران فاسد حکومت اسلامی از تداوم حاکمیت شان شده است. در این رابطه علی خامنه‌ای روز سه شنبه دهم بهمن این بار به عنوان کارشناس اقتصادی نیز ظاهر شد و تعدادی از تولید کنندگان و فعالان اقتصادی رژیم را گرد آورد و طی سخنان همراه کننده با هدف پوشاندن بحران اقتصادی رژیم اما بدون نام بردن از آن و تحت عنوان بهبود کسب و کار گفت: "مهم ترین وظیفه دولت بهبود کسب و کار و بر طرف کردن موانع سر راه آن است و البته رشد نقدینگی باید متوقف شود." خامنه‌ای با تعریف و تمجید از دولت رئیسی قاتل و انداختن تقصیر تشدید بحران اقتصادی به گردن دولتهای پیشین که گویا رهنمودهای اقتصادی او را خوب به اجرا در نیاورده‌اند، راه حل بحران را در آن دید که دولت باید از ظرفیت و توان بخش خصوصی برای تحقق اهداف کلان اقتصادی استفاده کند و موانع سر راه آنها را بردارد. خامنه‌ای گفت: «دولت باید خواسته‌های بخش خصوصی از جمله تشکیل مجموعه‌های صنعتی چند وجهی و تأمین مالی شرکتهای متوسط و کوچک را بطور جدی پیگیری کند. او در توصیف بیشتر بخش خصوصی گفت: "در عرصه‌های بالا دست نظیر نفت و گاز و فولاد نیز زمینه بسیار گسترده‌ای برای مشارکت بخش خصوصی هست. بخش خصوصی قادر است بعضی ناترازیها در مسائلی مانند آب، سوخت، برق و دیگر عرصه‌ها را نیز گره گشایی کند و قادر است ایران را به رشد مطلوب ۸ درصدی برساند. دولت باید پیشرفتهای چشمگیر بنگاههای بزرگ بخش خصوصی را برای مردم توضیح دهد زیرا مردم از آن بی‌خبرند». آنچه خامنه‌ای اینک آگاهانه از بخش خصوصی به عنوان یک رویکرد نجات بخش اقتصاد مفلوک و ورشکسته حکومت اسلامی یاد می‌کند، چیز تازه‌ای نیست و نمی‌تواند کسی را فریب دهد. زیرا اولاً اقتصاد جمهوری اسلامی پس از جنگ ارتجاعی و ویرانگر هشت ساله ایران با عراق و از زمان صدارت رفسنجانی تا امروز همواره بر اساس مدل اقتصاد نئولیبرالی

بهره‌کشی مافیای قدرت در حکومت اسلامی از کودکان کار

واقعیت این است که پدیده دردناک کودکان کار و خیابان ریشه در فقر و گرسنگی دارد و محصول مناسبات نظام سرمایه داری در ایران است. تا این ریشه خشکانده نشود، پدیده کودکان کار و خیابان نه تنها از بین نمی‌رود، بلکه روز به روز بیشتر گسترش می‌یابد. تا کنون هم کارگزاران رنگارنگ حکومت فاسد جمهوری اسلامی از جمله زاکانی نه تنها مانع آن نشده‌اند، بلکه در همدستی با مافیای سرمایه در این بخش از آن بهره‌مند نیز شده‌اند. بنابر گزارش منابع مستقل، مسئولان شهرداری در همدستی با شرکتهای پیمانکار تحت نظر شهرداری برای جمع‌آوری زباله از این کودکان بهره‌کشی می‌کنند. یکی از این کودکان کار زباله گرد گفت: «شهرداری ماهانه نصف درآمدش را می‌برد». قابل ذکر است که بهره‌کشی از کار کودکان در حکومت اسلامی تنها به کودکان کار خیابان محدود نمی‌شود. بلکه تعداد بیشتری از کودکان در کارگاه‌های زیرزمینی و پستوها با دستمزد ناچیزی در صنایع شیشه‌گری، تفکیک زباله، کیف دوزی، پرس‌کاری و غیره به کار کشیده می‌شوند که هر روزه با خطرات ناامنی محیط کار از جمله سوختگی، قطع انگشتان دست و غیره دست و پنجه نرم می‌کنند.

علی‌خامنه‌ای در شرایطی مدام در بوق و کرنای خود از افزایش جمعیت و کودک‌آوری صحبت به میان می‌آورد و دستگاه‌های دولتی را برای تأمین بودجه و تدوین طرح‌های تشویقی فرزندآوری و راهکارهایی در ممنوعیت جلوگیری از بارداری هدایت می‌کند که نسل‌کنونی کودکان ایران در چنین وضعیت دردناکی به سر می‌برند. واضح است که برای خامنه‌ای اهمیتی ندارد که کودکان فرصت کافی برای رشد و شکوفایی استعدادهايشان داشته باشند و از امکان تحصیل و آموزش و یادگیری بهره‌مند گردند. آنچه برای او در این رابطه اهمیت دارد افزایش امت اسلام برای جنگ و اشغالگری و اجرای سیاستهای توسعه طلبانه و جهاد است. سیاستهایی که کارگران و توده‌های مردم معترض ایران با آن آشنا هستند و برای پایان دادن به این اوضاع فاجعه‌بار، قدم در مبارزه‌ای سنگر به سنگر گذاشته‌اند.

خیابان، آنچنان زشت و بی‌شرمانه بوده که اعتراض بسیاری از فعالان و مدافعان حقوق کودکان را به دنبال داشت. آنها می‌گویند: «طرح‌های ضربتی جمع‌آوری کودکان کار، با وجود فشارهای اقتصادی و تورم بالا، جز هزینه و آسیب بیشتر برای کودکان بی‌پناه هیچ فایده دیگری نخواهد داشت و دستگاه‌های حکومتی نمی‌توانند آنرا به اجرا درآورند و با توجه به رشد فقر در کشور، تعداد این کودکان در آینده بیشتر هم می‌شود». مدیر مؤسسه



«یاریگران کودک کار پویا» در پاسخ به سخنان زاکانی گفت: «شهردار تهران با این سخنان نشان داد که نه تنها دغدغه کودکان کار را ندارد بلکه می‌خواهد صورت مسئله را پاک کند». او این سوال را مطرح کرد که اگر شهرداری راست می‌گوید چرا جلوی مافیای زباله‌گردی که یکی از سخت‌ترین اشکال کار کودک است نمی‌ایستد؟

ارائه چنین طرح‌هایی از جانب دم و دستگاه‌های حکومت اسلامی در رابطه با کودکان کار که روزانه در خیابانها به دنبال پیدا کردن لقمه نانی به زباله‌گردی، دستفروشی و شیشه‌پاک کردن خودروها و نظایر آن روی آورده‌اند، نشانه بی‌توجهی مسئولان دزد و فاسد جمهوری اسلامی به کودکان کار و خیابان است. این شگردهای فریبکارانه در رابطه با سرنوشت کودکان کار در حکومت جمهوری اسلامی تازگی ندارد و سالهاست ادامه دارد. طی چهار دهه گذشته کارگزاران رژیم اسلامی بارها چنین طرحهایی را به میدان آورده‌اند اما نه تنها عملی نشده و بودجه و ضمانتی برای اجرا و عملی شدن آنها وجود نداشته است بلکه تنها نمایشی و فریبکارانه بوده‌اند.

آمار کودکان کار و خیابان در ایران روز به روز افزایش می‌یابد. جمهوری اسلامی عمداً نه خود آمار دقیقی از تعداد این کودکان می‌دهد و نه اجازه می‌دهد نهادهای مدافع حقوق کودکان در این رابطه اقدامی به عمل آورند. در این رابطه یک عضو شورای شهر تهران، در خرداد ماه امسال گفت فقط در تهران ۷۰ هزار کودک کار وجود دارد. افزایش چشمگیر این کودکان و صحنه‌های دردناکی از وضعیت معیشت و کار آنان که روزانه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌گردد، وجدان هر انسانی را خدشه دار می‌کند. به گزارش نهادهای مدافع از حقوق کودک، امسال تعداد خانواده‌هایی که به دلیل فقر و مشکلات خانوادگی مجبور شده‌اند کودکان خود را از تحصیل باز دارند و مجبور به کار کردند افزایش پیدا کرده است.

روز پنجشنبه ۲۸ دیماه، مهدی ملکی رئیس باصطلاح «کارگروه کودک کار و خیابان در وزارت کشور»، در گردهمایی «کودک یاران ایران»، با اذعان به عدم وجود آمار دقیق کودکان کار در ایران به عنوان یک ضعف بزرگ در کشور، به عمل‌کرد ضعیف سازمان بهزیستی در حوزه جمع‌آوری و سامان‌دهی کودکان کار و خیابان اعتراف کرد و گفت که: «بین دستگاهها و سازمانهای دولتی دعوا وجود دارد و آنها موضوع ساماندهی و جمع‌آوری کودکان کار و خیابان را به همدیگر پاس می‌دهند». این آخوند رئیس کارگروه کودکان کار رژیم اسلامی گفت که: «شهرداری تهران چهار مدل طرح به عنوان ساماندهی کودکان کار و خیابان با عناوین، مرکز شوق زندگی قوه قضائیه، اقدام و عمل بهزیستی، مشارکت مردم و ساماندهی کودکان کار و خیابان، راه‌اندازی کرده است».

ارائه این طرح درحالی است که زاکانی، شهردار دزد تهران و دستیار ویژه رئیس قاتل در موضوع آسیب‌های اجتماعی، در فکر «پاک کردن چهره شهر از کودکان کار و تکدی‌گری» می‌باشد و از طرح مشترکی دم می‌زند که گویا از اول دی‌ماه ۱۴۰۲ توسط شهرداری، بهزیستی، پلیس و قوه قضائیه، به اجرا درآمده است. ترکیب این دستگاه‌های حکومتی برای این کار خود به معنای برخورد پلیسی رژیم با کودکان کار می‌باشد. اظهارات توهین‌آمیز این دزد جنایتکار و همدست رئیس نسبت به کودکان کار و

جنبش زنان، کدام چشم انداز؟ سرمایه داری یا سوسیالیسم؟

به ریشه درد و رنج ها بردن، راه حل انقلاب کارگری و سوسیالیسم و پایان دادن به همه نابرابری های اقتصادی، اجتماعی، جنسیتی، ملی، مذهبی و سیاسی و تأمین برابری و آزادی و رفاه انسانها.

این واقعیت که بازتاب مرحله کنونی مبارزه طبقاتی در سطح جامعه است، جنبش زنان را نیز همچون جنبش دانشجویی در معرض انتخاب بین دو افق متضاد، بین دو گزینه سیاسی متعلق به دو طبقه اصلی جامعه ایران، بورژوازی یا طبقه کارگر، سرمایه داری یا سوسیالیسم قرار داده است. جنبش زنان اگر چه بسیار ریشه دارتر از جنبش دانشجویی است، اما اگر

نخواهد نیروی عظیم اجتماعی اش به نیروی ذخیره لیبرالیسم ایران برای اصلاح جمهوری اسلامی تبدیل شود و خواسته های پایه ای اش قربانی بند و بست این جریانات واقع گردد، راهی جز انتخاب گزینه دوم یعنی استراتژی سوسیالیستی و اتحاد با جنبش کارگری ندارد. جنبش زنان تنها با در پیش گرفتن استراتژی سیاسی سوسیالیستی است که می تواند هر درجه از عقب

راندن رژیم اسلامی و ایجاد گشایش در فضای سیاسی جامعه را در خدمت پیشروی خود برای تحقق خواسته های پایه ای اش قرار دهد.

یکی از پایه های استراتژی سوسیالیستی در جنبش زنان که در واقع پیش شرط پیشروی این جنبش نیز می باشد، توده ای شدن هر چه بیشتر و اجتماعی شدن جنبش زنان است. برای تبدیل شدن جنبش زنان به یک جنبش توده ای و اجتماعی باید توده زنان کارگر و زحمتکش را در ابعاد میلیونی به میدان مبارزه آورد. اکنون از کل جمعیت زنان ایران ۱۷ درصد به بازار کار رسمی ایران راه یافته اند. یعنی اکثریت زنان ایران که زنان کارگر و زحمتکش هستند وارد بازار کار نشده اند یا در بازار کار غیر رسمی بدون برخورداری از حقوق اولیه به کار اشتغال دارند. بخش وسیعی از این خیل میلیونی زنان ایران اسیر بی اجر و مزد کار خانگی، یا کار در مزارع و شالیزارها هستند. این بخش عظیم زنان اگرچه یک پای اصلی تأمین معیشت خانواده ها می باشند، اما از ابتدائی ترین حقوق خود محروم هستند، از استقلال اقتصادی برخوردار نیستند و نمی توانند به لحاظ اقتصادی و تأمین معیشت خود برای یک روز هم روی پای خود بایستند. قوانین ارتجاع مذهبی علیه زنان با اتکا به همین عدم استقلال

زنان ایران مانند دیگر اقشار فرودست جامعه برای احقاق مطالبات انسانی خود پای در راه مبارزه ای سنگر به سنگر گذاشته اند و اقدامات جنایتکارانه رژیم خللی در عزم و اراده آنان وارد نخواهد کرد.

از طرف دیگر جنبش رهایی زنان در بطن این تحولات بیش از گذشته ماهیت سیاست ها و برنامه های بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران را شناخته، به ماهیت خواسته های خودش آگاه شده و به رغم تلاش های گمراه کننده رسانه های بورژوازی، این جنبش راه پیشروی خود را در اتحاد و همگرایی با دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی باز یافته است.



تردیدی نیست که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ابعاد بی حقوقی زنان چنان گسترده و وسیع است و تحقیر هر روزه زنان و زن ستیزی چنان نهادینه شده است، که حضور آنان در اعتراضات توده ای و هر درجه از عقب راندن این رژیم می تواند زمینه ساز گشایشی در حیات سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه باشد. اما برای آنکه جنبش زنان تحقق مطالبات و پیشروی و رهایی خود را تضمین کند و نقش درخور خود را در جنبش آزادیخواهانه مردم ایران ایفا نماید، مهم این است که این جنبش بر متن بحران سیاسی و انقلابی کنونی کدام استراتژی سیاسی و کدام چشم انداز را در پیش می گیرد؟

اکنون بحران سیاسی و روند اوضاع دو راه حل و چشم انداز متضاد را نه تنها در مقابل جنبش زنان بلکه در مقابل کل جامعه قرار داده است. یا چشم انداز و راه حل سرمایه دارانه، یعنی به بیراهه بردن اعتراضات کارگران و فرودستان جامعه و محصور کردن آن در چهارچوب افق براندازی نرم و مخملی رژیم جمهوری اسلامی و دست به دست شدن قدرت سیاسی از بالای سر توده ها و بازسازی مناسبات بردگی سرمایه داری و تداوم بی حقوقی و نظام بردگی ناشی از آن، یا چشم انداز و راه حل رادیکال و دست

جنبش انقلابی جاری که با نام رمز ژینا و با شعار "زن، زندگی، آزادی"، "نه روسری، نه توسری، آزادی، برابری"، "مرگ بر دیکتاتور" و با اقدامات نمادینی مانند برانداختن روسری ها بر کف خیابان و سوزاندن آنها به میدان آمد، یکی از پایه های قدرت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی را در هم کوبید. این خیزش از آنجا که نیرومندترین پایگاه اسلام سیاسی با قوانین سخت دینی در خاورمیانه و شمال آفریقا را مورد تعرض سیاسی و ایدئولوژیک قرار داد، جنبش رهایی زن را نه تنها در ایران، بلکه در سطح منطقه وارد فاز نوینی کرد. این خیزش انقلابی با پیشتازی زنان به لحاظ بازتاب جهانی آن و جلب حمایت و همبستگی افکار ترقی خواه و پیشرو در سراسر جهان نیز جایگاه منحصر به فردی در تاریخ جنبش آزادیخواهانه مردم ایران پیدا کرد.

حضور گسترده و پیشتازی زنان یکی از ویژگیهای برجسته جنبش انقلابی جاری در بیش از یک سال اخیر بوده و یک بار دیگر تاثیر گذاری و نقش زنان در هرگونه تحول و

دگرگونی سیاسی و اجتماعی را بیش از پیش نمایان ساخت. زنان آزاده ایران مدتها است که با مشارکت فعال خود در صفوف مبارزه طبقه کارگر، در صف مبارزات معلمان و بازنشستگان به عنوان بخشی از این طبقه، در صفوف دانشجویان و دانش آموزان آزادیخواه و برابری طلب، حضور پر شور در خیزش های انقلابی دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و جنبش های توده ای علیه گرانی و بحران آب، ایفای نقشی پیگیر در جنبش دادخواهی، مقاومت سرسختانه در زندان ها، همه جا در خط مقدم مبارزه قرار دارند و نمونه جسارت انقلابی و سرسختی در پیگیری خواسته های بر حق خود هستند.

رژیم جمهوری اسلامی که حضور گسترده و پرشور زنان حق طلب در اعتراضات توده ای و بویژه در جنبش انقلابی جاری را مشاهده کرد، اوج اقدامات ضد انسانی و جنایتکارانه خود را به نمایش گذاشت. نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی با تیراندازی و کور کردن چشم صدها زن مبارز و آزاده، دستگیری و تعرض به آنان در بازداشتگاهها، حملات شیمیایی زنجیره ای به مدارس دخترانه، و تهاجم سازمانیافته به زنان بی حجاب در سراسر ایران تلاش کرد زنان مبارز و آزاده را مرعوب نماید. اما حضور گسترده و توده ای زنان نشان داد که

JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN
Editor: **Halmat Ahmadian**, halmatean@hotmail.com

1 February 2024 NO: **494**

راه صرف تضمین استقلال اقتصادی زنان کنند. باید هزینه تامین رفاه زنان و امکانات پرورش استعداد آنها را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشید. بنابراین حتی تامین زمینه های مادی و اقتصادی برابری های حقوقی بین زنان و مردان مستقیماً در گرو تعرض به حریم مقدس مالکیت خصوصی سرمایه داری است. از همین رو لیبرالیسم بورژوازی ایران و تمام احزاب و نیروهای بورژوازی اپوزیسیون که حریم مالکیت خصوصی برایشان مقدس است و حافظ وضع موجود هستند، حتی قادر نیستند همین برابری های حقوقی زنان را که گاهی در برنامه ها و پلتفرم های خود از آن دم می زنند، متحقق کنند. همین واقعیات مادی جامعه سرمایه داری است که جنبش زنان را در مسیر مبارزه برای تحقق خواستهایش و دست بردن به ریشه های بی حقوقی و ستمگشی خود به سوی اتحاد استراتژیک با جنبش کارگری سوق می دهد. جنبشی که بنا به ماهیت خواستهایش راهی جز مبارزه و تعرض به سرمایه داری و سرانجام در هم پیچیدن بساط گندیده و ظالمانه آن ندارد.

در محیط های کار در محل زندگی با این خیل عظیم زنان در آمیخت و از نزدیک به آنها نشان داد که بدون در افتادن با نظام طبقاتی سرمایه داری و بدون در افق قرار دادن سوسیالیسم نمی توان مبارزه مؤثری علیه فرهنگ مرد سالارانه و قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی را به پیش برد. باید با آوردن نمونه های بسیار عینی و واقعی به این بخش عظیم از زنان نشان داد، که وجود نابرابری های حقوقی میان زنان و مردان چه در عرصه مناسبات اجتماعی و چه در عرصه مناسبات خانوادگی ریشه در نابرابری های اقتصادی دارد. برای پایان دادن به این نابرابری ها حقوقی باید زمینه های اقتصادی و مادی آن را فراهم آورد و برای فراهم آوردن این زمینه های اقتصادی راهی جز تعرض به مناسبات سرمایه داری وجود ندارد. باید در قدم اول سرمایه داران و دولت شان را وادار کرد که هزینه اقتصادی تامین برابری حقوقی زنان با مردان را تامین کنند. باید آنان را وادار کرد که بخشی از همین ارزش اضافی ای که از قبل استثمار طبقه کارگر به جیب می زنند را صرف تامین بیمه بیکاری زنان آماده بکار، و از این

اقتصادی زنان است که ضمانت اجرایی پیدا کرده است. تحقیر هر روزه زنان و فرهنگ ارتجاعی مرد سالارانه و قوانین حافظ آن با اتکا به همین زمینه های مادی است که در جامعه جاری شده اند. بنابراین برای به میدان آوردن زنان کارگر و زحمتکش در ابعاد میلیونی و کار ریشه ای کردن علیه رواج فرهنگ ارتجاعی مذهبی و مرد سالارانه در جامعه علیه زنان، باید سرسختانه بر ضرورت حیاتی استقلال اقتصادی زنان کوبید و بر خواست ها و مطالبات رفاهی زنان تاکید کرد. فعالین سوسیالیست جنبش زنان در ایران باید کار و فعالیت در میان این توده میلیونی زنان کارکن و زحمتکش را بویژه در محلات حاشیه شهرها، محور فعالیت خود قرار دهند. باید این خیل عظیم دستان پینه بسته را مورد خطاب قرار داد و نشان داد که سوسیالیسم نه تنها برای آنها سخن دارد بلکه عملی ترین راه تحقق خواست های آنها را هم نشان می دهد. برای پیشبرد این کار عظیم باید سنت کار کمونیستی را تقویت کرد. باید آگاهی به ریشه های طبقاتی ستمگشی زنان را رواج داد، باید

گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له



برگزاری مراسم روز کومه له در کلن آلمان

زمان: شنبه ۱۷ فوریه ساعت ۱۶:۰۰ الی ۲۱:۰۰

مکان: NaturFreundeHaus Köln-Kalk
Kapellenstr. 9a * 51103 Köln

سخنران: محمد کمالی

بخش سرود انقلابی و شعر

بخش دوم: پذیرایی و شادی

تماس: 017640151395

به مراسم گرامیداشت روز کومه له خوش آمدید!

www.komala.co

کمیته ی برگزاری مراسم روز کومه له

گرامی باد ۲۶ بهمن روز کومه له



برگزاری مراسم روز کومه له در سوئد (استکهلم)

زمان: شنبه ۱۰ فوریه ساعت ۱۵:۰۰ الی ۱۹:۳۰

مکان: ÅRSTA FOLKETS HUS: ADRESS,
HJÄLMARSVÄGEN 26, 12053

سخنران: صدیقه محمدی

بخش سرود انقلابی و شعر

بحث آزاد در ارتباط با کومه له

بخش دوم: پذیرایی و موزیک

تماس: 07064222020

به مراسم گرامیداشت روز کومه له خوش آمدید!

www.komala.co

کمیته ی برگزاری مراسم روز کومه له

گرامیداشت روز کومه له در استکهلم (شنبه ۱۰ فوریه) و در کلن (شنبه ۱۷ فوریه)